



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۱
شنبه ۸ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۲۰ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

سادات خائن، آغاز تدارک توپنه جدید امریکا علیه ایران را اعلام کرده است

آنها بگذارند. (کوئی امریکا در این جنگ مداخله ندارد و مصر تاکنون خود را در اختیار امریکا نگذاشته است!)
مصاحبه سادات در این موقع، با توپنه جدید امریکا علیه ایران ارتباط کامل دارد. میگویند اگر سگ پارس میکند، دزد چندان دور نیست. میسل است که سادات یکی از ستونهای محکم سیاست امپریالیستی در دنیای عرب و در کشورهای اسلامی- چنین مسئله مهمی را، که پسر نوست خلقهای منطقه و سراسر جهان ارتباط می یابد، بدون منظور معین و بخصوص بدون مشورت با همپیمانان امریکائی و اسرائیلی خود مطرح نمی کند. مصاحبه سادات نشان میدهد که امریکائیا و دستیاران و دست نشاندهگان آنها، پس از آنکه بقیه در صفحه ۴

حکومت صدام به جنگ با ایران به نتایج مطلوب نرسیده است و رژیم آوران ما، که درس طبیعت را در نبردهای انقلابی آموخته اند، قادر به دفاع از دستاوردهای انقلاب مردمی خود هستند، نشانه های توپنه امپریالیستی دیگری در آسمان ایران ظاهر میگردد.
امپریالیستها از زبان سادات، خائن به انقلاب مصر، اعلام میکنند که: غرب باید در جنگ ایران و عراق حتی با استفاده از نیروی نظامی مداخله کند، تا ایران خود را بدامان شوروی نیفتند!
سادات در مصاحبه اش با تلویزیون دانمارک گفته است: اگر ایالات متحده و همپیمانانش بخواهند در این جنگ مداخله کنند، مصر حاضر است تسهیلات موجود در کشور خود را در اختیار

سلسله توپنه شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک و کوچکتر علیه مبین انقلابی ما را پیاپی نیست. توپنه ای را با هوشیاری بی اثر میکنیم، توپنه دیگری بدنبال آن می آید. این را خشی میکنیم، توپنه سوم می آفرینند. این یکی را هم در هم میکوبیم. بر آتش توپنه دیگری دامن می زنند. آنرا با سیلاب خون جوانان برومند خود خاموش میکنیم، شعله های آتش سوزی بزرگتری در افق ظاهر میگردد. آری، زنجیر توپنه های شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک و کوچکتر، را که میخواهند آنرا بگردن خلق از بندرسته ما بیفتند (و این امید را بکور خواهند برد) سردراز دارند.
اینک که بر دنیای غارتگران امپریالیستی ثابت شده است که توپنه آنان در برانگیختن

حجت الاسلام خامنه ای:

یکعده میخواهند از شعار آزادی بعنوان حربه ای یابانه ای برای ضدیت با جمهوری اسلامی استفاده کنند

* این آزادی (لیبرالیسم)، معنایش اینست که میلیونها انسان در آنسوی جهان آزاد نیستند خود را از شر امریکا رها کنند.
* من پیشنهاد میکنم... یک کنفرانس اسلامی مترقی (برای دفاع از فلسطین) در سطح بین المللی تشکیل بشود.

های نماز جمعه ضمن تأکید بر اینکه: داورما از همیشه بیشتر به وحدت و هماهنگی صفوف ملت خود احتیاج داریم، از مردم خواست که خود را درگیر مناقشات سیاسی نکنند. وی در باره مسئله آزادی که ممکنست طرح آن از سوی بعضی از افراد بی توجه و یا خدای نکرده مغرض، ذهنهای مردم ما را دچار اشتباهی بکند که آن اشتباه به تفرقه و دوگانگی مردم منتسب بشود توضیحاتی داد و به تشریح دیدگاههای اسلام انقلابی از آزادی پرداخت و گفت:

مراسم نماز جمعه دیروز همانند هفته های گذشته با شکوه فراوان در دانشگاه تهران برگزار شد. حجت الاسلام سیدعلی خامنه ای امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای عالی دفاع و دبیر و سخنگوی این شورا در خطبه های نماز جمعه درباره مسائل امروز انقلاب، مطالب مهمی را بیان داشت. وی از جمله ضمن اشاره به فریاد کسانی که دوازدهم آزادی می زنند، به تشریح دیدگاه اسلام انقلابی از آزادی پرداخت و نتیجه آنرا با آزادی غربی (لیبرالیسم) مقایسه کرد. وی از جمله گفت: «این آزادی

لیبرالیسم) معنایش این است که میلیونها انسان در آنسوی جهان آزاد نیستند که خود را از شر امریکا رها کنند. وی گفت: «این آزادی معنایش اینست که میلیونها انسان در آنسوی جهان آزاد نیستند خود را از شر امریکا رها کنند. من پیشنهاد میکنم... یک کنفرانس اسلامی مترقی (برای دفاع از فلسطین) در سطح بین المللی تشکیل بشود.»

رزمندگان انقلاب، در محور آبادان ماهشهر دشمن را به عقب راندند

پنجشنبه) ضربات خردکننده ای در جبهه سومار بر دشمن متجاوز وارد کردند. در این عملیات تعدادی از مزدوران صدام به هلاکت رسیده و چندین خودروی آنها منهدم شده است. در این جبهه ۳۰۰۰ آزدلوران ما نیز به شهادت نائل آمده اند.
گزارش رسیده از جبهه سومار، که صبح پنجشنبه به خیرگزاری پارس رسیده، حاکیست که در روز چهارشنبه، دلوران ما با استفاده از سلاحهای سنگین و بهره گیری از عملیات چریکی، دو نقطه سوق الجیشی را از لوث وجود متجاوزان عراقی پاک کردند. در این عملیات ۱۷ سترک دشمن نابود و مزدوران مستقر در این سنگرها به هلاکت رسیده یا متواری شدند.
به گزارش دیگر خبرنگار خیرگزاری پارس، نیروهای مدافع انقلاب طی روزهای سه شنبه و چهارشنبه، در منطقه کیلان غرب، بقیه در صفحه ۴

ایران در تاریخ ۵ آذرماه ۵۹، در منطقه سوسنگرد به نیروهای دشمن تاخته و ضمن انهدام ۴ عراده توپ، ۵ دستگاه تانک، ۵ قبضه خمپاره انداز، ۲۰ دستگاه خودرو، یک عراده خمسه خمسه و دو دستگاه سنگر، حدود ۵۰ نفر از نفرات دشمن را به هلاکت رسانیده و بیش از ۴۰ نفر از آنها را زخمی نمودند.
صدای جمهوری اسلامی ایران خیر داد که بر اساس آخرین گزارشهای رسیده از جبهه آبادان، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هوانیروز، از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح پنجشنبه، مواضع نیروهای دشمن را در شمال جاده ماهشهر - آبادان، درهم کوبیدند و آنان را حدود یک کیلومتر وادار به عقب نشینی کردند.
صدای جمهوری اسلامی ایران همچنین به نقل از یک مقام موقی در ستاد مشترک عملیات غرب اطلاع داد که رزمندگان دلیر ما طی دیروز و امروز (چهارشنبه و

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای عملیات رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران را علیه مواضع رژیم صدام حسین چنین اعلام کرد:
«الف - نیروی هوایی جنگنده های تیز پرواز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در حملات دیروز ۵ آذر ماه ۵۹ خود به هدفهای مورد نظر در خاک دشمن، توانستند یک کارخانه در شمال غربی سلیمانیه، انبارهای مهمات دشمن در غرب سلیمانیه، یک آنتن رادار در شمال شرقی غربال و یک اطاق کنترل برق در شمال عراق را منهدم نموده و در حمله به تانکها و کامیونهای دشمن در جنوب مدلی در شرق عراق، خساراتی بر نیروهای دشمن وارد آوردند.
ب- هوانیروز دلوران همیشه قهرمان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

طبقه کارگر سخنان وزیر کار و امور اجتماعی را بیان خواستهای خود میداند

در مبین ما به همت توده های زحمتکش و رهبری بخردانه امام خمینی، انقلابی ضد امپریالیستی و خلقی بوقوع پیوسته است. این انقلاب می باید همه ضوابط و معیارهای گذشته را، که در خدمت منافع یک رژیم ضد ملی، ضد خلقی و وابسته بود، متحول کند و ضوابط و معیارهایی نوین را در خدمت طبقات زحمتکش و محروم، که طی قرون، تازیانه ستم و استثمار کرده شان را زخم دار ساخته است، جاننشین آن سازد، طبقات بالائی اتکل، یعنی سرمایه داران بزرگ، فئودالها و کلان زمینداران را از تخت قدرت اقتصادی به زیر کسند و پائینی ها، یعنی اکثریت محروم سپارهنه ها و کلاه نمدها - را از اعماق دهشتناک فقر و نیستی و بیسوادی رها سازد و رایحه رهایی و عدالت را به مشامشان برساند.

طی هشتادسالی که از تولد طبقه کارگر ایران میگذرد، این نخستین بار است که وزیری بر راس وزارت کار و امور اجتماعی ایران، در تأیید حقانیت طبقه کارگر میگوید: «ما معتقدیم که حکومت روی زمین با مستضعفین است»

۳ سؤال

روزنامه انقلاب اسلامی (پنجشنبه ۶ آذرماه ۱۳۵۹، ص ۴)
در مقاله ای زیر عنوان «مروری بر سیاست خارجی کشورمان پس از انقلاب»، برخی نظرات درست در انتقاد از سیاست خارجی گذشته کشورمان بیان داشته و از جمله نوشته است:
«اما طرف دیگر قضیه خود ما هستیم که درصد برنیامدیم تا امکاناتی را که می توان از آنها به نفع انقلاب بهره برداری کرد، بکار گیریم، کوشش نمائیم تا بر دوستانی که صداقت و پایمردی دارند، یفزائیم...»
نویسنده مقاله، برای نمونه، رفتاری که در گذشته نسبت به لیبی شده، اشاره کرده و نوشته است:
«... یکماه تمام نخست وزیرش آقای عبدالسلام جلود در ایران بسر می برد و این فرد که بعد از سرهنگ قذافی دومین شخصیت لیبی است، کسی سراغش را نمی گرفت و فقط روزها مقابل هتلش جمع میشدند و شعار میدادند که هر چه زودتر از لیبی بیرون بروید...»
بقیه در صفحه ۷

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها:

مابا آمریکا تضاد اصلی و غیر قابل حل داریم

* جنگ و گروگانگیری ربطی به هم ندارد و کسانی که میخواهند این دو مسئله را بهم ربط دهند، درست در خط امریکا هستند.
* بدون شک شیطان بزرگ طراح این اختلاف (تخصص و تقوی) است.

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها، در یک گفتگو با روزنامه اطلاعات (۵۹۹۶) به پرسشهای مطرح شده از جانب این روزنامه پاسخ داد. وی در پاسخ به پرسش بحث «تقوا و تخصص» گفت:
«وقتی که انسان یک مساله را در نهایت وضوح و روشنی می بیند که در سر آن جنجال فراوانی است، کم کم به این نتیجه میرسد که چیزی غیر از تقوا و تخصص نیست»
بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

حجت الاسلام خامنه‌ای ...

بقیه از صفحه ۱

«اسلام آزادی را چه چیزی می‌داند و چگونه می‌بیند؟ اسلام می‌آید تا انسان را از شر چند قدرت اسارتگر رها کند. اولاً از شر قدرت دشمنان بیگانه و سلطه‌گران و جباران جهانی. نمیگذارد که قدرتهای بزرگ عالم بر ملت اسلام مسلط بمانند. ثانیاً آزادی از سلطه مستبدان و جباران داخلی و این همان چیزی است که شما مردم در دوران رژیم گذشته با آن جنگیدید. اسلام است که می‌گوید دستگاه سلطنت چه با نام سلطنت و چه با هر نام دیگری باید از اجتماعات انسانی ریشه کن شود. استبداد باید ببرد، تحقیر انسان باید وجود نداشته باشد. ثالثاً آزادی از شر نظامها و سنتها و رویه‌های جاهلی و طاغوتی. اسلام به ما می‌گوید که اسیر تشریفات دست و پا گیر نباشیم. اسلام به ما می‌گوید که اسیر تجملات نباشیم. اسلام به ما می‌گوید که اسیر مواضع طبقاتی نادرست و ضدانسانی نباشیم. این خود را بالاتر و برتر از دیگری نداند و آرامستوجب تحقیر بداند. اسلام به ما می‌گوید میان سیاه و سفید، میان این نژاد و آن نژاد فرقی نیست و هیچ نژادی حق ندارد بدلیل رنگ، بدلیل خون، بدلیل بقیه‌شرایط اقلیمی، دیگران را برده و بنده خود قرار دهد. پس اسلام طرفدار آزادی به معنای شکستن سنتهای غلط جاهلی است. رابعاً آزادی از شر نفس اماره. اسلام است که به ما می‌گوید ای انسان آزاد باش و اسیر نفس خودخواه و افزایش طلب خود مشو.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای گفت: دو شما نگاه کنید به جامعه خود ما و ببینید از روزی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد و جمهوری اسلامی سر کار آمد این آزادیهای والا در جامعه ما پایه‌گذاری شد. تکویند که ما از این انقلاب چیزی نفهمیدیم. وی ضمن برشمردن دستاوردهای انقلاب به استقلال ایران اشاره کرد و گفت:

«آزادی اینست که شما از سلطه جبارانه نظام مستبد شاهنشاهی آزاد شدید و چنین سلطه‌ای دیگر در ایران پا نمی‌گیرد، هرگز نمیگیرد. آزادی اینست که شما توانستید بر فرهنگها و سنتهای طاغوتی تا حدود زیادی غلبه کنید، نمی‌گوییم سنت‌های طاغوتی و اخلاق طاغوتی در جامعه ما بکلی ریشه کن شد، اینکار زمان میخواهد اما این کار شروع شد.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود: «انقلاب اسلامی به ما آزادی بیان داد. امروز در این مملکت همه آزادانه حرف خود را می‌زنند و اسلام اینها را معتبر می‌داند. این آزادی اسلامی. اما آزادی به معنای غربی، می‌داند که غربیها هم می‌گویند آزادی. اما آزادی در مفهوم غربی به معنای دیگریست. این همان چیزیست که در عرف معروف و در زبانهای جوانهای ما و مردم ما رایج شده است که می‌گویند لیبرالیسم. آزادی در مفهوم غربی یعنی مخالفت با هر چیزی که جلوی هوس و کام انسان را بگیرد، یعنی رهایی از هر قید و بندی.

البته قید و بند قانونی را که پذیرفتند قبول می‌کنند اما همان قانون هم با توجه و با ملاحظه اینکه اخلاق قید نیست، مذهب قید نیست، حفظ حقوق ملتها قید نیست، با این ملاحظات همان قانون هم تدوین می‌شود. امریکاییها معتقد به آزادی به نوع غربی هستند. البته در امریکا هم آزادی که فساد کند، هم آزادی که زندگی خود را طبق هوس و شهوت خود بگذرانند. اما این آزادی معنایش اینست که میلیونها انسان در آنسوی جهان آزاد نیستند که خود را از شر امریکا رها کنند.»

وی سپس ضمن تاکید بر اینکه تمام افکار و عقاید در نظام اسلامی می‌توانند وجود داشته باشند، گفت: «اما حق ندارند اندیشه اسلامی را در متن جامعه تخریب کنند، یا برای واژگون کردن نظام جمهوری اسلامی و نظام حکومت اسلامی تلاش کنند.» حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس گفت:

«آزادی بیان هم در جامعه وجود دارد. همه کسانی که به اصل جمهوری اسلامی و نظام اسلام معتقد و نسبت به آن تبعیت دارند حق دارند انتقادهای خود را بکنند، کسی مانع انتقاد نیست. اما اینکه بخواهند جو سازی بکنند، بخواهند مردم را نسبت به سنتهای اصلی اسلامی در این جامعه بدبین کنند، ابتدا آن سیاستمدار ورشکسته‌ای که یک سال، یکسال و نیم است با انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی قهر است، معلوم هم نیست که آیا به قانون اساسی رای مثبت داده است یا نه، حالا بیايد در روزنامه بردارد درفشانی کند و مطلب پنبوسد و اعتراض کند که دستگاه فلان و دستگاه فلان، اینجا و آنجا قانون اساسی را نقض کرده‌اند. شما به این قانون اساسی عقیده ندارید. شما به این اسلام عقیده ندارید. این انقلاب را قبول ندارید. شما چگونه می‌توانید با تمسک به آزادی بردارید از همان مردم را مشوب کنید، واقعیتها را در نظر مردم دگرگون جلوه بدهید، یکعده می‌خواهند از شعار آزادی بعنوان حربه‌ای یا بهانه‌ای برای ضدیت با جمهوری اسلامی استفاده کنند. غالباً دیده می‌شود اینجا و آنجا فریاد می‌زنند که آزادی نیست، دلیل اینکه آزادی هست، اینست که همین فریاد هم به همه مردم می‌رسد. همه مردم می‌شنوند که فلانی می‌گوید آقا در این مملکت آزادی نیست. اگر آزادی نیست چگونه می‌توانی، یکی از افراد معمولی این ملت، فریاد را به همه برسانی. تخیر در این مملکت آزادی هست...»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای اضافه کرد:

«هر کسی در این مملکت که ادعا کند آزادی نیست و نقض آزادی میشود و نقض اصول قانون اساسی می‌شود، از این بعنوان حربه‌ای علیه این جمهوری اسلامی می‌خواهد استفاده کند. این آقایان میدان آزادی را آنچنان که خودشان دلشان می‌خواهد انتخاب می‌کنند. هر وقتی که مایل هستند هر سخنی بگویند، هر حرف ممنوع و مخالف را، مخالف انقلاب، مخالف آسایش مردم، مخالف وحدت و یکپارچگی مردم، هر چه بخواهند بگویند می‌

کنند، منتشر می‌کنند، شایع بکنند، اما تا کسی چیزی بگوید که مخالف نظر آنها باشد، فوراً داد و فریادشان بلند می‌شود که چرا گفتید، شما چرا گفتید. بنده يك كلمه در خطبه نماز جمعه اظهار کردم، در مقابل شایعاتی که داشتند پخش می‌کردند و می‌گفتند روحانیت در کار ارتش دخالت می‌کند و نمی‌گذارد ارتش کار خودش را بکند، يك چنین شایعه‌ای را پخش می‌کردند، من در میدان، من در صحنه‌ام، من از نزدیک دارم می‌بینم. آمد به مردم، به مردم مسلمان که هزارها سوال می‌کنند، روحانیونی که در واقع است. روحانیونی که در صحنه بودند يك اظهار نظر ساده کردند. روحانیون خرمشهر، نظر ساده‌ای مثل بقیه افراد مردم برای کیفیت دفاع از خرمشهر را دادند. و اگر آن نظر عمل می‌شد، خرمشهر آن بخشش دست دشمن نمی‌افتاد، من این را گفتم. آقا برداشته در روزنامه سر-

مقاله کرده که خامنه‌ای را بایستی، البته اسم نیارده اشاره کرده، گفته‌اند راباید محاکمه کنیم. در سرمقاله روزنامه عصر تهران، اظهار کردند که بنده را باید محاکمه کنند، چرا چون بنده در فلان خطبه یا در فلان مصاحبه گفتم اگر طبق نظر روحانیون دلسوز خرمشهر عمل می‌شد، آن بخش از خرمشهر سقوط نمی‌کرد. بسم الله محاکمه کنید. بسم الله آقایان پرو و وقیح محاکمه کنید مرا. منمب شما را دعوت میکنم به محاکمه محاکمه کنید تا بفهمند مردم که چه جریاناتی در پشت پرده‌های پلید سالوس و تزویر شما وارد می‌گذرد. محاکمه کنید تا ما هم اجازه پیدا کنیم حرفهایمان را بزنیم. ما هم اینقدر حرفها را در دلمان نگه نداریم. ای خدای بزرگ تو شاهدی. والله آنقدر حرف گفتمی برای گفتن هست که اگر گفته بشود ذهنيات بسیاری از این مردم تصحیح خواهد شد. فقط به خاطر خدا و به خاطر کل روی امام و فرمان امام نمی‌گوئیم. دهن را می‌بندیم. باز هم صبر می‌کنیم... آزادی يك محدودده معینی دارد. اسلام معین کرده آن محدودده را. هیچکس حق ندارد از آزادی خود به نحوی استفاده بکند که به مردم، به جامعه، بدین، به انقلاب اسلامی، به جمهوری اسلامی ضرر و زیانی عاید بشود. این آزادیست. در این محدودده همه آزادند. وی افزود: «من گفتم در مناقشات سیاسی وارد نشوید در هفته‌ای که گذشت یا هفته قبل برداشتم در روزنامه‌ها نوشتند که بعضیها می‌گویند مردم در سیاست وارد نشوند. من گفتم در سیاست وارد نشوند؟ من گفتم در دعوی سیاسی وارد نشوید. برای بعضی تهمت زدن، افترا زدن، حرف را وارونه زدن هیچ زحمتی ندارد. راحت.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه دوم نماز جمعه ضمن اشاره به کفرانس سران عرب که در اردن تشکیل شده است گفت: «کفرانس سران عرب که در شهر عمان تشکیل شد، رسوا ترین کفرانسی بود که دروضع کنونی عالم ممکن بود تشکیل شود. میزبان کفرانس قائل هزاران فلسطینی است. ۲۰ هزار مقتول و مجروح در سال ۱۳۴۹ از فلسطینی‌ها در همین شهر عمان ثبت شده است. میهمانان این

میزبان هم کسانی هستند که يك روز قدیمی برای فلسطین برنداشتند. دول مرتجع و کافر و منافق منطقه. مترقی‌ترین دول عربی، سازمان آزادیبخش فلسطین، دولت سوریه که در خط اول جبهه با اشغالگران فلسطین است، در این کفرانس شرکت نکردند. این کفرانس با این ترکیب، با این میهمانها، با این میزبان در آن شهر اسمش کفرانس برای دفاع از فلسطین است! از این رسواتی چیزی می‌شود؟ من پیشنهاد می‌کنم به همه ملت‌های مسلمان و به سران دولت‌های اسلامی که کفرانسی برای دفاع از فلسطین از همه دولتهای مترقی مسلمان تشکیل بدهند. مخصوص برادران عرب هم ندانند، بقیه دولتها و ملت‌های مسلمان را هم شریک کنند، اما دول مرتجع را در این کفرانس راه ندهند، يك کفرانس اسلامی مترقی در سطح بین‌المللی تشکیل بشود.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس به خیانت‌های انور سادات اشاره کرد و گفت: «انور سادات خائن و مزدور آمریکا پس از روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا درصدد آنست که باز هم حمایت‌های آمریکا را به سوی خود جلب کند. و در این راه حاضر است التماس کند. و وعده کمک بدهد و وعده نوکری بدهد تا آنها را پشتیبان خود کند، اما

سادات خائن...

بقیه از صفحه ۱

توانسته‌اند از راه برانگیختن حکومت صدام به جنگ با ایران، به هدف خود دست یابند و نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کنند. تدارک توطئه جدیدی را می‌بینند. قرینه دیگری که این فکر را تقویت میکند، مصاحبه همزمان سلطان قابوس با نیویورک اینترنشنال است، که او نیز بهمین دلیل افزایش «خطر شوروی»، امریکا و متحدان غربی را بمداخله وسیعتر در امور منطقه دعوت کرده است.

البته سادات و قابوس منافع خصوصی خودشان را نیز در این دعوت فراموش نکرده‌اند. شکست صدام خودبخود بمعنای عمیق‌تر شدن انقلاب در سراسر منطقه خاورمیانه و نزدیک است و این دورنما، سادات و قابوس و دیگر ملوک و شیوخی را، که از ترس ملت‌های خود بدامان امپریالیسم خریدارند، بلرز افکنده است. تردیدی نیست که اگر موج انقلابی تازه‌ای در خاورمیانه و نزدیک برخیزد، دیگر جایی برای شاهان و شاهکها و مزدوران سرسپرده به امپریالیسم امریکا باقی نخواهد ماند.

دعوت سادات و قابوس از امپریالیسم بمداخله در امور منطقه به بهانه «تهدید شوروی»، «مراقبت از تنگه هرمز»، «حفظ تمدن عرب» به زوزه

رزمندگان...

بقیه از صفحه ۱

با بهره‌گیری از حمایت آتش توپخانه خودی و طی یکسری عملیات چریکی، موفق شدند در سکوی پرتاب موشک و موضع خمپاره‌انداز دشمن را نابود سازند. در این عملیات ۳۰ تن از مزدوران عراقی به هلاکت رسیدند. بر اساس این گزارش، در جبهه سرپل‌ذهاب نیز يك گروه از پاسداران انقلاب اسلامی در برخورد با يك گروه ۱۷ نفری از نیروهای دشمن، آنها را تارومار ساختند. گزارش رسیده دیگر نیز حاکیست که در سه روز آخر هفته گذشته، در اطراف یکی از مناطق سوق‌الجیشی قرزی استان ایلام، در ستیز مدافعان انقلاب اسلامی با مزدوران صدامی، یکصد و بیست تن از آنان کشته،

میزبان هم کسانی هستند که يك روز قدیمی برای فلسطین برنداشتند. دول مرتجع و کافر و منافق منطقه. مترقی‌ترین دول عربی، سازمان آزادیبخش فلسطین، دولت سوریه که در خط اول جبهه با اشغالگران فلسطین است، در این کفرانس شرکت نکردند. این کفرانس با این ترکیب، با این میهمانها، با این میزبان در آن شهر اسمش کفرانس برای دفاع از فلسطین است! از این رسواتی چیزی می‌شود؟ من پیشنهاد می‌کنم به همه ملت‌های مسلمان و به سران دولت‌های اسلامی که کفرانسی برای دفاع از فلسطین از همه دولتهای مترقی مسلمان تشکیل بدهند. مخصوص برادران عرب هم ندانند، بقیه دولتها و ملت‌های مسلمان را هم شریک کنند، اما دول مرتجع را در این کفرانس راه ندهند، يك کفرانس اسلامی مترقی در سطح بین‌المللی تشکیل بشود.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس به خیانت‌های انور سادات اشاره کرد و گفت: «انور سادات خائن و مزدور آمریکا پس از روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا درصدد آنست که باز هم حمایت‌های آمریکا را به سوی خود جلب کند. و در این راه حاضر است التماس کند. و وعده کمک بدهد و وعده نوکری بدهد تا آنها را پشتیبان خود کند، اما

زخمی و یا فراری شدند.

به گزارش خبرنگار خبر-گزارش پارس، رزمندگان پاسدار موفق شدند در پوستای سه‌گانه در منطقه دارخوین، یکی از مراکز ستون پنجم دشمن را کشف کنند. همچنین صدای جمهوری اسلامی ایران گزارش داد، هلی‌کوپترهای تیزپرواز هوانیروز از ساعت ۸:۳۰ روز گذشته (جمعه) بمدت ۳۰ دقیقه مواضع دشمن را در جنوب غربی دبحردان و ایستگاه آب‌تیمور درم کوبیدند که در اثر آن يك دستگاه تانک، ۴ عراده توپ و ۳ سنگر مزدوران بکلی منهدم و حدود ۳۰ نفر از آنان کشته و زخمی شدند.

طبق گزارش خبرگزاری پارس از آبادان که ساعت ۱۱:۲۵ صبح دیروز (جمعه) مخابره شد، رزمندگان انقلاب مواضع دشمن متجاوز در بخش غربی رودخانه

ما می‌دانیم که دولتهای بزرگ و قدرتهای بزرگ به خود می‌اندیشند نه به ملت‌ها. نه به مستضعفین، نه به اسلام و نه به کشورهای اسلامی تا وقتی که بتوانند از مصر استفاده کنند به عنوان يك پایگاه قدرت، استفاده خواهند کرد، آنوقت که نتوانند استفاده کنند یا نخواهند، مثل هسته خرمائی بی‌ارزش از دهان درآمده‌ای آن را پرت خواهند کرد. وی ضمن اشاره به مصر زمان ناصر گفت: «مصر در زمان جمال عبدالناصر در مقابل غرب ایستاد و بلافاصله در زمان انورالسادات خائن برده غرب شد...». حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس به مسئله کشاورزی اشاره کرد و آن را عرصه‌ای در مبارزه مقابل امریکای جنایتکار دانست. وی گفت: «مردم کشاورزی و کشت پاییزه وقتش می‌گذرد. کشاورزان عزیز، ای کسانی که زمین دارید، اما جزو زمینداران بزرگ نیستید، ای کسانی که بهر حال دستان بنحوی به زمین در ارتباط است. هرچه می‌توانید اختلافات کوچک را حل کنید، مسائل جزئی را کنار بگذارید. امسال کشت کنید. بگذارید ما با دست پر با دهان پر به دنیا، به آمریکا بگوئیم ما به تو احتیاجی نداریم. کشاورزی و کشت را امسال خیلی اهمیت بدهید.»

گرگهای تیر خورده‌ای شبیه است که صیاد سخت-کمان انقلاب را در برابر چشم خود می‌بینند و برای نجات جان تیره خود باین سوراخ و آن سوراخ پناه می‌برند. برای سادات و قابوس و نظایرشان دها ناو جنگی، صدها هواپیما و هزاران سرباز امریکایی و انگلیسی و غیره، که در بیخ گوششان جای گرفته‌اند نه تنها تهدیدی بشمار نمی‌رود بلکه بهترین امید قلب دردمند آنان است. آنچه آنان را می‌ترساند، نبودن حامیان امپریالیستی است نه بودنشان، عمیق‌تر شدن انقلاب است نه «خطر شوروی»، که خودشان نیز به بی‌پایگی آن اعتراف دارند.

اگر فعالیت‌های ضدانقلاب و تحریکات رژیم ضیالالحق را در بلوچستان و سیستان را هم که روز بروز وسیع‌تر و جدی‌تر میشود - در نظر داشته باشیم، آنوقت کاملاً روشن است که توطئه وسیع جدیدی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در حال شکل گرفتن است که يك سرش در قاهره و سردیگرش در اسلام‌آباد است و طراح اصلی آنهم امپریالیسم آمریکاست.

از همین‌جاست که ما باردیگر رنگ‌خطر را بصدا درمی‌آوریم. باید این توطئه جدید را نیز با هشیاری، با قاطعیت، با اتحاد همه نیروهای انقلابی و تجزیه همه نیروهای خلق با شکست مواجه ساخت.

بهمنشیر و محور جاده آبادان-ماه‌شهر را همچنان زیر آتش شدید خود داشتند. براساس این گزارش از بامداد دیروز جنگ در جبهه آبادان بشدت جریان داشت. صبح دیروز گروهی از مدافعان انقلاب با بهره‌گیری از آتش توپخانه خودی به مواضع دشمن متجاوز در محور جاده آبادان - ماه‌شهر هجوم برده و با استفاده از سلاحهای سبک و نیمه سنگین، سنگرهای مزدوران صدام را زیر آتش گرفته و تلفاتی به آنان وارد ساختند. طبق همین گزارش درطول پنج-شنبه شب و صبح جمعه، برتری نیروهای انقلاب کاملاً حفظ شده بود.

گزارش خبرگزاری پارس از بخش شرقی خونین شهر حاکیست که دلاران انقلاب همچنان عملیات چریکی خود را علیه مزدوران متجاوز ادامه می‌دهند.

کمک مالی
به حزب توده
ایران يك وظیفه
انقلابی است

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بپسواب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

دو جنگ
عاد لانه بر ضد
رژیم صدام
حسین و برای
دفاع از میهن
انقلابی شرکت
کنیم

جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۵۹
با شرکت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی
حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسش‌های
طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.
بخشهایی از این «پرسش و پاسخ» در شماره‌های قبلی
درج شد. و اینک آخرین بخش آن در اینجا چاپ می‌رسد.

نورالدین کیانوری
«پرسش و پاسخ»

پرسی مسائل
میر امروز

- ۴- به رهنمود های امام باید توجه جدی معطوف داشت
- ۵- درباره مسافرت حجت الاسلام رفسنجانی به کشورهای عضو جبهه پایداری
- ۶- آیا لیبرالها قویتر می‌شوند و یا مواضع خود را پیش از پیش از دست می‌دهند
- ۷- درباره چگونگی برخورد به اشتباهات مجاهدین خلق

نیست. یعنی ما می‌دانیم که طیف سرمایه‌داری هیچوقت مواضع تغییر نمی‌کند، همیشه طرفدار غارت است و زحمتکشان هم طرفدار تغییرات بنیادی به سود خود و به زیان استثمارگران هستند.

حالا این سؤال پیش می‌آید که دوجریان ماهیها متفاوت در مبارزه علیه بدیدهای نادرست، یعنی علیه تجاوز به آزادی‌های فردی و اجتماعی، باهم هماهنگ شده‌اند. به خود حزب ما هم این تجاوزات انجام گرفته است و ما جزو اولین قربانی‌های این تجاوز بوده‌ایم و هنوز هم هستیم. با این وصف آیا می‌توانیم بگوئیم که همه چیز الان در جمهوری اسلامی درست است و باید همین‌طور باشد؟ یعنی بریزند سر حزب توده ایران، دفاترش را ببندند، فروشنده‌ها روزنامه‌ها را بگیرند و این طرف و آن طرف بپروند؟ آیا همه‌این‌ها درست و «قانونمندان» است؟ نه، ما هرگز هم چنین عقیده‌ای نداریم. ما معتقدیم که این‌ها بیماری‌های کنونی و کودکی نظام جمهوری اسلامی است که باید با آن‌ها مبارزه کرد و جدی هم باید مبارزه کرد. ما در مورد این بدیدهای منفی جامعه‌کنونی ایران، و ضرورت مبارزه با آن‌ها بحث نداریم، ولی در مورد شیوه‌های مبارزه، در مورد انتخاب لحظه مبارزه و روشی که برای این مبارزه قائل می‌شوید، بحث و اختلاف جدی داریم.

همان‌طور که همیشه گفته‌ایم، جبهه عمده مبارزه ما عبارت است از جبهه مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در ایران. این جبهه، جهت عمده مبارزه است. به این ترتیب ما با تغییر شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی با شعار آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی جداخالفیم و معتقدیم که این یک تغییر منفی بنیادی است. ما معتقدیم که آزادی واقعی محرومان تنها در چارچوب تأمین استقلال واقعی، استقلال همه‌جانبه در برابر امپریالیسم امکان‌پذیر است. کشور که در برابر سلطه امپریالیسم استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ندارد، ممکن نیست آزادی واقعی برای محرومان جامعه داشته باشد. در آنجا آزادی فقط برای سرمایه‌داران است که خودشان را دمکرات جا بزنند و بگویند آزادی‌خواه هستیم، مثل یونان، مثل اسپانیا و حتی فرضا بگذارند که چپ‌ها هم حق اظهارنظر داشته باشند. یک چنین «آزادی»، آزادی واقعی نیست، بازی با آزادی است، آزادی غارت، آزادی استثمار، آزادی بی‌پندوباری است. همان آزادی که در انگلیس و فرانسه و کشورهای امپریالیستی نظیر آن‌ها هست. آزادی کنوری مثل کشور ما، با تمام خصوصیاتش، فقط در چارچوب تأمین استقلال واقعی همه‌جانبه در برابر امپریالیسم امکان‌پذیر است.

لیبرال‌ها آزادی خودشان یعنی آزادی تثبیت نظام سرمایه‌داری «بی دردسر» را می‌خواهند تا صاحب کارخانه بتواند جنبش کارگری را سرکوب کند. آنها این «آزادی» را می‌خواهند. پس بین آن «آزادی» که لیبرال‌ها می‌خواهند و آن آزادی که توده زحمتکشان و طبقات اجتماعی محروم می‌خواهند، تفاوت بنیادی وجود دارد. در شرایط حاد مبارزه علیه امپریالیسم، هواداری از «آزادی» مورد تقاضای لیبرال‌ها مسلماً به جنبش ما صدمه می‌زند. البته این هواداری ممکن است ناشی از ارزیابی نادرست باشد، ناشی از انگیزه‌های دهنی و برداشتهای نادرست باشد.

ما برای تأمین آن آزادی‌هایی که در قانون اساسی ذکر شده است جدی و بی‌گیر مبارزه می‌کنیم. ما با هر نیرویی که در این جهت مبارزه کند، همگام هستیم و با هر گونه زیاده‌روی در محدود کردن این آزادی‌ها، به‌این عنوان که الان نمی‌شود قانون اساسی را اجرا کرد، مخالفیم. آزادی‌های مطرح در قانون اساسی را کاملاً می‌شود اجرا کرد، یعنی می‌شود جلوی توطئه‌گرانی، می‌شود آزادی تهران‌مصور، «آزادگان»، «امداد» و نظایر آن‌ها را محدود کرد، ولی آزادی را برای همه نیروهای اصیل طرفدار انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران تأمین کرد و جلوی اوباشان و ساواکی‌هایی را که زیر شعارهای دروغین دفاع از اسلام به آزادی‌های نیروهای اصیل انقلابی تعرض می‌کنند، گرفت. هم‌این‌ها امکان دارد. در شرایط کنونی با جدا شدن از لیبرال‌ها، با محکوم کردن فعالیت لیبرال‌ها که برای رسیدن مجدد به قدرت تقلا می‌کنند، مبارزه در راه تأمین آزادی‌های واقعی مطرح می‌شود در قانون اساسی را خیلی آسان‌تر و برتر می‌توان انجام داد. و برعکس هم‌گام شدن با لیبرال‌ها در مبارزه برای آزادی، بفرنجی‌هایی ایجاد می‌کند که مالا به محدود کردن آزادی‌ها خواهد انجامید. و این آن جنبه مضر و خطرناکی است که در سؤال درست به‌مان توجه شده‌است. ما معتقدیم که نیروهای راستین هوادار انقلاب واقعی ضد امپریالیستی و مردمی ایران باید در مورد خرده‌اختلاف‌های میان خود، حسابشان را به‌طور خیلی روشن از لیبرال‌ها که طرفدار سازش با امپریالیسم هستند، جدا کنند تا مبارزه مشترک آن‌ها برای نگاه‌داری و پاسداری از دستاوردهای انقلاب در زمینه تأمین آزادی‌ها کاملاً ترمبش باشد. اگر غیر از این باشد و

چنین نیروهایی با لیبرال‌های شناخته‌شده، همگام از کار درآیند، این ایجاد بفرنجی می‌کند و مردم نسبت به اصالت این مبارزه برای «آزادی» تردید پیدا می‌کنند و ممکن است در نتیجه عکس‌العمل‌های نادرست به امر انقلاب زیان برسد.

ما در مورد مبارزه خلق کرد برای رسیدن به حقوق حقه‌اش، همیشه همین شکل مبارزه را توصیه کرده‌ایم. ما گفته‌ایم که مردم گردستان دارای خواست‌های به‌حق هستند، ولی برای این‌که بهتر بتوانند به خواست‌های خودشان برسند، قبل از همه در موضع‌گیری‌ها و در مبارزات خود از نیروهای ارتجاعی که در گردستان عمل می‌کنند، به‌کلی دور باشند و خود را به‌کلی از آنها جدا بگیرند و نشان دهند که هوادار انقلاب هستند، هوادار انقلابی هستند که حقوق حقه همه و از جمله خلق کرد را باید تأمین کند. در چنین صورتی دیگر خیلی مشکل خواهد بود که کسانی بخواهند خواست‌های خلق کرد را زیر پا بگذارند. ولی وقتی سازمان‌هایی که مدعی «دفاع» از حقوق خلق کرد هستند، با بعث عراق همکاری می‌کنند، بازرگاری با مرتجعین و با دشمنان انقلاب ایران همکاری می‌کنند، آن وقت وضعی بوجود می‌آید که تشخیص میان حق و باطل، میان این‌که چه کسی انقلابی و چه کسی افزاینده‌های ارتجاعی و امپریالیستی است، دشوار می‌شود. البته ما می‌توانیم تشخیص بدهیم، ولی تشخیص آن برای همه نیروهایی که الان در انقلاب نقش تعیین‌کننده دارند، کار آسانی نیست. به این جهت توصیه ما که تاریخ درستی آن‌را حتی به نیروهای واقعا مبارز ضد امپریالیستی ثابت خواهد کرد، این است که برای جلوگیری از دستبرد به آزادی‌های تضمین‌شده در قانون اساسی اول حساب خودشان را از حساب نیروهایی که «وای آزادی» برایشان سیله‌سین به هدف‌های ظایر یا هدف‌های انقلاب ایران است، جدا کنند. آن وقت است که با اعتقاد ما تلاش برای تأمین این آزادی‌ها می‌تواند ترمبش باشد.

س: تأثیر سفر آقای رفسنجانی را به کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه در حرکت آینده انقلاب چگونه می‌بینید؟
 ج: همان‌طور که قبلاً در همین جلسه گفتیم یکی از نتایج بسیار مثبتی که در روند شناخت مقامات مسئول رهبری انقلاب ایران پیدا شده، همین است که آن‌ها به‌این نتیجه رسیده‌اند که کشورهای جبهه پایداری خلق عرب نزدیک‌ترین دوستان انقلاب ایران هستند و همان‌طور که حجت الاسلام رفسنجانی در یکی از صحبت‌هایش گفت: روابط دولت جمهوری اسلامی ایران با این کشورها روابط برادرانه است یعنی دیگر نزدیک‌ترین روابط سیاسی است. ما این شناخت را به فال نیک می‌گیریم و معتقدیم که بی‌آمدان عبارت خواهد بود از نزدیکی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با این کشورها که سال‌ها است بر موضع‌گیری قاطع و بی‌گیری علیه امپریالیسم و صهیونیسم استوار هستند. یکی از بوقیتهای جمهوری اسلامی در سیاست خارجی این است که بالاخره توانسته‌است تلاش‌های طولانی محافل لیبرال را برای جلوگیری از این نزدیکی و همکاری ایران و کشورهای ضد امپریالیستی دنیای عرب، عقیم گذارد. به یاد داریم که در دوران دولت «گام به‌گام» و سپس به‌وسیله عوامل مؤثر لیبرال که در دستگاه دولتی و در مقامات حساس باقی مانده بودند چند تلاش‌هایی به‌کار رفت تا روابط ایران و لیبی را هرچه بیشتر تیره کند و لیبی را دشمن انقلاب ایران جلوه دهند. و حالا ما می‌بینیم که همین کشور لیبی حتی با موضع‌گیری خیلی قاطع علیه کشورهای ارتجاعی عرب، از انقلاب ایران علیه تجاوز آمریکا ساخته عراق به ایران پشتیبانی می‌کند. ما این نزدیکی میان کشورهای انقلابی اسلامی را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنیم و امیدوار هستیم که این یکی از پایه‌های سیاست خارجی آینده جمهوری اسلامی ایران باشد و این ترتیب جبهه نیرومندی از کشورهای ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم و دست‌نشانده‌هایش از شاه براکتی و شاه اردن و قابوس شاه گرفته تا شاه مصر و شاه پاکستان (البته این‌ها «شاه» اخیر تاج ندارند)، تشکیل شود.

س: در جلسه «پرسش و پاسخ» هفته‌های قبل گفته بودید که لیبرال‌ها در دستگاه‌های مقتنه، قضایی و مجریه قدرت ناچیزی دارند. ولی با توجه به کارمندان و روسای وزارتخانه‌ها و ادارات که اکثریتشان از لیبرال‌ها هستند، آیا می‌توان گفت که نیروی لیبرال‌ها کم است و با ناراضی تراشی و کار شکنی‌های خود در کارخانه‌ها و ادارات و در مجموع سطح جامعه ایجاد خطر نمی‌کنند؟
 ج: اگر دوست سؤال کننده درست دقت کرده باشد، من گفته‌ام که نیروی لیبرال‌ها، آن‌هم در دستگاه‌های مقتنه، قضایی و مجریه ناچیز است. من گفتیم لیبرال‌ها در دوران اخیر، گام به‌گام، ولی نه با آن گام‌های کندی دوران زمام‌داری، بلکه با گام‌های سریع، دارند مواضع خودشان را از دست می‌دهند. من به این نکته اشاره کرده بودم. اگر مواضع گذشته و حال آن‌ها را با هم مقایسه کنیم، می‌بینیم که در دوران دولت «گام به‌گام» مجلسی وجود نداشت و تقریباً تمام دولت در اختیار لیبرال‌ها بود به‌اضافه بخشی از شورای انقلاب که در آن شرکت داشتند. وقتی هم که آن دولت سقوط کرد، باز هم عده‌ای از وزارتخانه‌ها دست نمایندگان آن‌ها بود و در شورای انقلاب هم مواضع شان را حفظ می‌کردند. قوه قضائیه تقریباً تمامش در دست لیبرال‌ها بود. ولی از لحظه اشغال جاسوس‌خانه و مشخص شدن چهره لیبرال‌ها به‌عنوان نیروی سازشکار و تسلیم طلب ما می‌بینیم که مواضع لیبرال‌ها به تدریج از دست‌شان گرفته می‌شود. این نکته‌ای بود که من به‌آن اشاره کردم. ولی این‌که آنها نیروی ناچیزی باشند، من هرگز چنین چیزی نگفتم و بر عکس تأکید کردم که آن‌ها هنوز در اقتصاد و در دستگاه دولتی دارای قدرت قابل ملاحظه‌ای هستند. ولی آن‌چه اهمیت دارد، این است که روند سیاسی در چه جهتی است؟ کدام نیرو در جهت تقویت پیش می‌رود و کدام جبهه و نیروها مواضع خودش را از دست می‌دهند؟

س: به نظر ما لیبرال‌ها، مواضع خودشان را به تدریج از دست می‌دهند و تلاش‌های اخیرشان هم برای همین است که می‌بینند زمین‌دار زیر پایشان خالی می‌شود و حتی در روزهای اخیر هم بازمقداری از مواضع خود را از دست داده‌اند.

س: با توجه به اشتباهات مجاهدین خلق در گذشته و در طول انقلاب و حمایت علنی آن‌ها از مواضع لیبرال‌ها و اعلامیه‌هایشان علیه حزب، چه موضعی نسبت به مجاهدین دارد؟ آیا نباید بعضی از رهبران مجاهدین خلق را زیر علامت سؤال گذاشت؟ آخر آن‌ها عده‌ای از جوانان صادق و انقلابی را به این موضع‌گیری خطرناک می‌کشاند که مسلماً به‌زیان انقلاب است؟
 ج: ببینید، در بحث گذشته، توضیح کافی دادم که نیروهایی که در بخشی از مسائل سیاسی با لیبرال‌ها موافق هستند، چون در مسائل عمده‌ای که با آن‌ها اختلاف دارند، خود را از لیبرال‌ها جدا نمی‌کنند، عملاً در جبهه لیبرال‌ها قرار می‌گیرند. این توضیح به سازمان مجاهدین خلق هم مربوط می‌شود. البته ما هنوز عقیده نداریم که سازمان مجاهدین خلق در تمام مواضع گریه‌های سیاسی خود در جبهه لیبرال‌ها قرار دارد، ما هنوز دلیلی برای یک چنین حکم سیاسی نداریم و در این مورد نمی‌توانیم با دوست سؤال کننده به‌طور کامل موافق باشیم. ما معتقدیم که سازمان مجاهدین خلق در مجموع خودش، با توجه به موضع‌گیری‌هایی که تاکنون داشته، نه در زمینه اقتصادی، نه در زمینه وابستگی به امپریالیسم و نه در زمینه‌های اساسی دیگر که برای مست‌گیری اساسی انقلاب مطرح است، به‌طور کامل در مسوای لیبرال‌ها قرار ندارد. ممکن است این یا آن فرد در این‌جا و یا آن‌جا سازمان مجاهدین خلق در مواضع لیبرال‌ها باشد و آگاهانه بخواهد سازمان را در آن جهت بکشاند، ولی در مجموع، ما معتقد نیستیم که آن‌ها در مواضع لیبرال‌ها قرار دارند. ولی متأسفانه روشی را که انتخاب کرده‌اند، طوری است که در بسیاری از موارد، در عمل سیاسی خود، در جبهه لیبرال‌ها قرار می‌گیرند. در گذشته هم، وقتی که «جبهه دمکراتیک ملی» و دیگر سازمان‌های لیبرالی مشغول فعالیت و مبارزه بودند، سازمان مجاهدین خلق متأسفانه چنین وضعی داشت. و این وضع حالا کمی هم شدت پیدا کرده است. با وجود این ما هنوز حکم نمی‌کنیم که اگر سازمان مجاهدین خلق از فلان لیبرال حمایت می‌کند، این حمایت به معنای حمایت از تمام بقیه در صفحه ۶

س: با توجه به این‌که امام خمینی روی وحدت همه نیروها در شرایط دشوار و بحرانی کنونی تأکید می‌کنند، آیا بی‌توجهی برخی از مسئولین به به‌این رهنمود زیان‌های زیاد برای انقلاب ندارد؟
 ج: همان‌طور که می‌دانید، یکی از پنج عنصری که ما از ابتدا در خط امام خمینی به‌عنوان عنصر فوق‌العاده مهم تشخیص دادیم و پشتیبانی همه‌جانبه خودمان را نسبت به آن اعلام کردیم، همین تکیه امام روی لزوم وحدت همه نیروها برای مبارزه با دشمن غدار یعنی آمریکا امپریالیست، بزرگ‌ترین دشمن بشریت است. یکی از ویژگی‌های خط امام این بود که از همان آغاز کار روی مسئله تأمین وحدت به‌عنوان عمده‌ترین شرط موفقیت جنبش انقلابی تکیه همیشگی داشته است. و ما هم این وحدت را برای تحقق همه هدف‌های انقلاب، حیاتی می‌دانیم و معتقد هستیم که بدون وحدت عمل واقعی و آگاهانه همه نیروهای هوادار انقلاب، بدون یک اتحاد بارور با تمام نیروهای ضد امپریالیسم در سراسر جهان، انقلاب ما در قبال خطراتی که از طرف دشمنان خطرناک وجود دارد، نمی‌تواند ایستادگی کند و خطرات زیادی هم آن‌را تهدید می‌کند. ما این نکته را همیشه تأکید کرده و گفته و نوشتیم که اتحاد در دو جبهه باید باشد: یکی اتحاد در درون ایران بین تمام نیروهای هوادار انقلاب، یعنی نیروهای هوادار خط امام خمینی که تبلور است از مجموعه سمت‌گیری‌های اصل انقلاب، و دیگری اتحاد در جبهه جهانی با تمام نیروهای ضد امپریالیستی. ما خوشوقت هستیم که در جبهه جهانی در راه‌های اخیر تحول جدی در سیاست مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران پیدا شده‌است. نزدیکی با کشورهای اسلامی انقلابی و ضد امپریالیستی الجزایر، سوریه و لیبی، نشانه‌ای از این تحول جدی و کام بسیار مهم و موثری است در راه اتحاد انقلاب ایران با جبهه ضد امپریالیستی جهانی. ما این کام را با خوشحالی استقبال می‌کنیم.

در داخل ایران دو جریان مختلف الان در حال رشد است. یکی جریان تشدید مبارزه میان نیروهایی که دارای هدف‌های مختلف هستند. ما در گفتار هفته قبل و هم چنین در مقالات و تحلیل‌های حزب در نامه «مردم و جبهه دنیا» پایه‌گذاری مبارزه داخلی در ایران را تصریح کرده‌ایم. یعنی این نبرد نیروهای مختلف وابسته به طبقات و اقشار مختلف است و چون منافع این طبقات در یک چارچوب نمی‌گنجد، اصطکاک‌هایی پیش می‌آید که گاه شدید می‌شود. البته نبردهای دوران اخیر را نمی‌شود گفت که همه‌شان نبرد بین منافع طبقاتی استثمارگر و غارتگر بورژوازی لیبرال و بورژوازی وابسته از یک طرف و نیروهای خلقی یعنی کارگران، دهقانان زحمتکش، تولیدکنندگان کوچک و غیره از طرف دیگر است. نه، وضع کمی از این بفرنجی‌تر و شلوغ‌تر است، یعنی گرچه دوطرف اصلی دعوا را بطور عمده استثمارکنندگان کلاں، استثمارشوندگان و بیاتگران و هواداران آن‌ها در جنبش تشکیل می‌دهند، ولی با تشدید و تعمیق مبارزه عوامل دیگری هم تأثیر می‌کنند که در نتیجه آن‌ها ما گاهی اوقات نیروهایی را در جهت لیبرال‌ها می‌بینیم که با سوابقی که از تاریخچه مبارزه آنها داریم، حایشان نمی‌بایست آنجا باشد. یعنی ما نمی‌توانیم به‌طور قطعی حکم کنیم که مثلاً هواداران مجاهدین خلق همه طرفدار بورژوازی لیبرال هستند، زیرا ممکن است که این‌ها در یک برهه از زمان به علت نداشتن شناخت درست، در جهت نادرست قرار گیرند. به‌این جهت ما باید در تشخیص خود دقیق باشیم و همه را به یک جوب نرانیم. در مقامات مسئول بالای ما مسلماً ما نمی‌توانیم همه را به یک جوب برانیم. بعضی مثلاً بعضی‌ها می‌گویند که آقای رئیس جمهور دکتر بنی‌صدر دیگر مشخصاً در جبهه لیبرال‌ها قرار گرفته‌است. این حکم به‌نظر ما با دلائلی که هنوز داریم، نادرست است. هنوز برای این مسئله دلائل کافی وجود ندارد. چرا؟ چون لیبرال‌ها مسلماً هدفشان فقط این نیست که روزنامه‌ها «آزاد» باشند. ادعاهایی که الان دارند، وسیله‌ای است برای پیشبرد مقاصدشان. هدف آن‌ها عبارت است از نگهداری نظام سرمایه‌داری و جلوگیری از تغییرات بنیادی در جامعه به‌ضرر سرمایه‌داری، به‌ضرر بزرگ‌مالکی، به‌ضرر مناسبات یک جانبه با دنیای سرمایه‌داری غرب. هدف آن‌ها این است. اما وسیله‌ای که برای نیل به این هدف به‌کار می‌برند، فریادهای «وای آزادی، وای آزادی» و تضعیف آن نهادهای جمهوری اسلامی است که در جهت مخالف هدف‌های آنها عمل می‌کنند. این راهی است که آنها انتخاب کرده‌اند. حال هرکس که از نظر به‌کاربردن چنین وسایلی با لیبرال‌ها همراه شد، معنایش این نیست که در تمام هدف‌ها با لیبرال‌ها همراه است. درست است که او در این عمل، دچار اشتباه است و دارد به لیبرال‌ها کمک می‌کند. ولی برای حزبی که عمیقاً به مسائل برخورد می‌کند و هر ارزیابی خودش را با احساس کامل مسئولیت پایه‌ریزی می‌کند، دوران واقع یعنی است که همه این‌ها را در یک سطل بریزد. ما این‌طور فکر نمی‌کنیم. ما معتقد هستیم که تا وقتی رئیس جمهور در زمینه چگونگی پایه‌های اقتصاد آینده جمهوری اسلامی در موضعی که ما تا به‌حال از او می‌شناسیم و در کتاب‌های خود «اقتصاد توحیدی»، «جمهوری اسلامی» و غیره، تشریح کرده‌است، قرار دارد، با توجه به مجموع نظریاتی که تا کنون درباره تأمین استقلال اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی کشور ما بیان داشته است، در مواضع لیبرال‌ها نیست. لیبرالیسم غیر از آن است. لیبرالیسم دارای موضعی است که همه دیگر به‌اندازه کافی آن را می‌شناسند و دولت «گام به‌گام» داشت. و ما می‌دانیم که دکتر بنی‌صدر در آن دوران هم در زمینه خارجی، هم در زمینه داخلی و هم در زمینه مسائل اقتصادی از ریشه و بنیاد مخالف سیاست دولت «گام به‌گام» بود. تا وقتی که او از آن مواضع رسماً و علناً دور نشده‌است، ما حق نداریم او را جزو لیبرال‌ها بدانیم. ضمناً این قضاوت ما مربوط به دکتر بنی‌صدر تنها نیست، بخشی از جامعه ما می‌تواند گاه در همین مواضع باشد یعنی برای تأمین نظریات و موضع‌گیری‌های سیاسی خودشان، برخی وسایلی را انتخاب کنند که لیبرال‌ها هم به‌کار می‌برند.

به‌این ترتیب دوجریان را که در ماهیت خود می‌توانند با هم تفاوت داشته باشند، نباید کنار هم گذاشت. البته اگر کسی بپرسد که آیا شما تضمین می‌کنید کسانی که امروز خود را جزو هواداران بنی‌صدر معرفی می‌کنند، در زمینه مسائل بنیادی جامعه ایران هم، همیشه در همان موضعی بمانند که در گذشته از طرف آقای بنی‌صدر عنوان شده است، ما در جواب او خواهیم گفت: نه، ما درباره افراد و اشخاص هیچ تضمینی نداریم، تضمین ما در مورد طبقات اجتماعی است یعنی ما می‌دانیم که طبقه کارگر، دهقانان زحمتکشان همیشه انقلابی خواهند بود، ولی رهبران جنبش در یک دورانی ممکن است موضع خود را عوض کنند. نمونه‌های آن در تاریخ خیلی زیاد است. بزرگ‌ترین نمونه‌اش انقلاب چین و تغییراتی است که در سیاست و موضع‌گیری رهبری انقلاب چین در دوران بعد از سال‌های ۶۰ پدید آمد. این دیگر در تاریخ باید یک نمونه آموزنده باشد: امکان این‌که رهبران یک جنبش مواضع خودشان را در طول زمان تغییر بدهند، همیشه وجود دارد و بنابراین قضاوت ما هم درباره اشخاص قابل تغییر است و حال آن‌که در مورد مواضع طبقات چنین

کارگران ساری: ما تا آخرین نفس می جنگیم و صدام را شکست خواهیم داد

پس از شروع جنگ تحمیلی، کارگران میهنمان در سراسر نقاط کشور آمادگی خود را برای مبارزه علیه رژیم تجار و زکات پادشاه اعلام کردند. آنها کمک مالی جمع آوری نمودند، در کلاس های بسیج آموزش نظامی دیدند، برای تولید بیشتر کوشش کردند و با طلبانه به جبهه رفتند.

کارگران ساری نیز همچون دیگر کارگران و زحمتکشان، اتحاد و همبستگی خود را برای مقابله با تجار و رژیم صدام اعلام کردند.

با گروهی از کارگران ساری به صحبت نشستیم، تا از اقدامات و چگونگی آمادگی آنها مطلع شویم.

ماوران آتش نشانی در حال آماده باش بودند، با آنها به گفتگو نشستیم، محمدحسن حداد، ماوران آتش نشانی، چنین گفت:

"چون شاه دست نشانده آمریکا بود، بعد از برکناری شاه، جنگ با آمریکا شروع شد. در حقیقت عراق به وسیله آمریکا تحریک می شود تا به ما فشار اقتصادی وارد کند، در حالیکه همه ما آماده دفاع از مملکت خود هستیم. این جنگ دفاع از کشور و انقلاب و حیثیت ما است. من با سلاح آشنایی دارم و آماده شرکت در جنگ هستم. چند تن از همکاران ما جهت کمک به جبهه رفته اند و وقتیکه صدام تسلیم نشود، ما آتش بس نمی کنیم." موسی زرپور، معاون آتش نشانی نیز گفت:

به کارفرمای خود نیز گفته ام که باید از هرنانوائی یکنفر به جبهه اعزام شود و در آنجا به پخت نان مشغول شود. ما جنگ می کنیم و خاک خود را پس می گیریم. ما می جنگیم و زمین خود را می گیریم و وقتی آنها به کشور خودشان رفتند و خسارت ما را پرداختند در آن صورت صلح می کنیم.

کارگردیگری بنام ذبیح سالو، که مدت دو سال است در همین نانوائی کار می کند، می گوید:

"ما هیچوقت حاضر نیستیم که کشور خود را انقلابی از دست بدهیم. انسان باید از خود دفاع کند. آمریکا قصد دارد ما را به خاطر منافع خودش شکست دهد، ولی ما پیروزی شویم و آتش بسی نیز با عراق نداریم."

واردیگ کارگاه موزائیک سازی، که در ایستگاه بهشهر است، می گوید:

کارگران کارگاه در حال خوردن صبحانه هستند. با آنها به گفتگو نشینیم. محمدحسن فلاج ۴ سال است در کارگاه های موزائیک سازی کار می کند. وی می گوید:

"ما با عراق جنگ نداشتیم. او تجار و زکاده و ما جوابش را می دهیم. البته عراق دست نشانده آمریکاست. ما مادام سرباز منقضی خدمت ۵۶ است و دخترم بهیار و هر دو به جبهه جنگ اعزام شده اند. ما تا زمانیکه عراقیها در ایران هستند، آتش بس نمی کنیم."

واردیگ نانوائی می شویم و با کارگران آن صحبت می کنیم. شاطر نانوائی بنام محمدباشی، که ۱۵ سال است در آن کار می کند، می گوید:

"طرفداران رژیم سابق، کسه مخالف انقلاب ایران بودند و بعد از انقلاب فرار کردند، قصد دارند بوسیله برپا کردن این جنگ، بار دیگر به کشور ما بیایند. در نظر من هر کسی که به ایران حمله کند، باید ریشه او را بکنیم. من یک کارگر ایرانی هستم و برای ملت ایران زحمت می کشم. ما قیام کردیم برای بهتر زندگی کردن. با اینکه از اهالی اینجانب نیستم و زن و بچه من بعد از رفتن من بی سرپرست می مانند، با این همه در صورت لزوم حاضریم به جنگ اعزام شوم. من حتی

کارگران لباس شویی: درآمد ما نسبت به کارگردمان خیلی کم است، ولی بکوری چشم آمریکا کار نمیکنیم



کارگر ایرانی مدافع انقلاب و دشمن سرسخت امپریالیسم آمریکاست تا آینده روشن و نویدبخش فرارسد!

کارگران لباس شویی همچون سایر زحمتکشان کشورمان در شرایط بسیار دشواری کار و مراعات می کنند. اکثر آنان در کارگاه های کوچک کار میکنند و اغلب روز مزدند.

بیشتر کارگران این صنف با خطر بیکاری مواجه هستند، زیرا با کمبود مواد اولیه و همچنین تعداد کم مشتریها، هر روز چند لباس شویی تعطیل می شود. همچنین بعضی از صاحبان مغازه ها کارگردانان را خود به تنهایی کار می کنند.

مشکلات و کمبودهای تمامی کارگران یکی است. تقاضای آنها از دولت تضمین حداقل حقوق انسانی است که باید به آنها توجه شود. برای آشنایی بیشتر با کمبودها و نارسائیهای زندگی کارگران، با آنها به گفتگو می نشینیم.

وارد یک لباس شویی در خیابان وصال می شویم. در این کارگاه ۸ نفر کار می کنند. با یکی از آنها صحبت می کنیم. می گوید:

"من در اینجا پرس کارم و روز-مزد کار می کنم. در ازای ۱۲ ساعت کار، یعنی از ۸ صبح تا ۸ شب، ۱۵۰ تومان دستمزد می گیرم. با این درآمد کم، باید علاوه بر تامین مخارج ۶ نفر هم ماه مقداری هم کرایه خانه بدهم. وی زگرهای طاقت فرسای محیط کار و عدم امکانات بهداشتی سخن ها دارد.

محمد، کارگر دیگر لباس شویی، می گوید:

"۱۴ سال است در این کارم. روزی ۱۱۵ تومان با اضافه کاری می گیرم. این دستمزد ناچیز کفاف زندگی را نمی دهد."

سری به یکی از لباس شویی های خیابان مولوی می نشینیم: مهدی، پرسکار، درباره کارش می گوید:

"در ازای ۱۸ ساعت کار ۹۰ تومان دستمزد می گیرم. برای کار طاقت فرسا حقوق ناچیزی دریافت می کنم. درآمد ما نسبت به کارگردمان خیلی ناچیز است. نه بیمه داریم، نه حق اولاد و نه مسکن و نه هیچ چیز دیگر. اکثر کارگران این صنف از نظر رفاهی دچار کمبود هستند."

در مورد سندیکا می گوید:

"ما سندیکا داریم و اکثر اعضای آن نمایندگان واقعی ما کارگران هستند، ولی اغلب ما به علت کار زیاد و کمی وقت نمی توانیم به طور مرتب به آنجا برویم."

همه کارگران از ساعات کار زیاد و کمی حقوق و گرانی گله دارند. علی، کارگر دیگر لباس شویی، می گوید:

"این درآمد ناچیز (۶۳۵ ریال

باید حقوقی ثابت برای کارگران در حدتأمین زندگی آنها در نظر گرفت و از احتکار مواد اولیه جلوگیری کرد. باید امکانات بهداشتی و رفاهی را نیز همراه با شرایط مساعد و مناسب کار برای کارگران فراهم کرد.

تنگنا های کنونی، که بطور عمده ناشی از مداخله و غارتگری امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا جنایت پیشه است از جهات بسیاری برای کارگران دشواریهای زیادی ایجاد کرده است. طبقه کارگر ایران، در کنار سایر زحمتکشان، بار سنگین این مبارزه را بردوش دارد و از جان محرومیت ها را می پذیرد. زحمتکشان ناگزیرند برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و برای تضمین پیروزی های بیشتر آن در مقابله با انواع دسیسه های امپریالیسم جهانی، که کمترین آنها محاصره اقتصادی است، با تمام وجود خویش فداکاری کنند و می دانیم که همین ها وارث انقلابند، صاحب اصلی آنند و هیچکس دیگر نمی تواند ایمان و دلسوزی آنان را داشته باشد. به این دلیل و دلایل متعدد دیگر، طبقه کارگر ایران شرایط را درک می کند و با کار و تولید بیشتر و تحمل دشواری های دم افزون در سنگر انقلاب است، با این امید که آینده انقلاب روشنائی چشم و دل زحمتکشان باشد!

در روزدر ازای ساعت کار) با گرانی ما محتاج زندگی ابدی کارساز نیست. گرانی سرسام آور است. ما از دولت می خواهیم راه حلی برای گرانی پیدا کنیم. ما محتاج روزمزد پیداکنند و حداقل لوازم زندگی را برای کارگران تامین نماید.

وارد یکی دیگر از لباس شوییها می شویم. سعادت، صاحب لباس شویی، که خود به تنهایی مشغول کار است از گرانی و کمبود مواد اولیه شکایت دارد و می گوید:

"قیمت مواد اولیه و وسایل کار خیلی بالا رفته و عده ای هم آنرا احتکار می کنند. مثلاً کاغذ کیلویی ۴ تومان، ۱۲ تومان شده، پودر ۱۲۰ تومان، ۴۳۰ تومان شده و مواد کمیاب است. به علت همین کمی کار و کمبود مواد در آمد، نمی توانم کارگر بیاورم، چون نمی توانم مخارج او را تامین کنم. ما از دولت می خواهیم که برای جلوگیری از دامنه احتکار محتکرین و گرانی فروشان هر چه زودتر در امر تهیه و توزیع مواد اولیه دخالت کنند."

کارگران لباس شویی نیز، همچون دیگر افراد، حق استفاده از حداقل ما محتاج زندگی را دارند. حقوق آنها ناچیز است و در بسیاری از کارگاه های لباس شویی از بیمه و دیگر حقوقی که در قانون کار گنجانده شده است، خبری نیست.

"آمریکا به خاطر نفت مان، که از دست او خارج شده، عراق را تحریک کرد تا به ایران حمله کند. ما به خاطر کشورمان نه تنها این جنگ را تحمل می کنیم، بلکه تمام کمبودهای ناشی از این جنگ را نیز تحمل خواهیم کرد. همه ما حاضریم در جنگ شرکت کنیم. من خودم در بسیج ثبت نام کردم، و چون دوره سربازی را دیده ام، با اسلحه آشنا می دارم. یکی از همکاران ما از همین کارگاه بطور داوطلب اعزام جبهه شد. مگر می توان کشور و انقلاب را تنها گذاشت؟ ما تا وقتی که صدام گورش را کم کند و خسارات ما نیز پرداخت گردد، به جنگ ادامه می دهیم. تنها ضد انقلابیها ما ننند و آنها را کتفها و سرما یه داران از جنگ فرار می کنند.

کارگران ساری خوب می دانند که هدف از این جنگ برانداختن جمهوری اسلامی ایران است، نه ادعای مسخره ارضی. به همین دلیل با تمام وجود از انقلاب دفاع می کنند.

در همین کارگاه، رستم بیابانی که عهده دار است در موزائیک سازی کار می کند، می گوید:

"بنظر من آمریکا عراق را تحریک می کند، تا برادران ما را بکشتن بدهد. آمریکا به آنها کمک می کند، تا جمهوری ما را از بین ببرد. شاه خائن هم این قدر ادا داشت، ولی هیچ غلطی نتوانست بکند. حال ادمام هم شکست خواهد خورد. ما مثل ضد انقلابیونی، چون ساواکی ها، چپنماها و سرمایه داران، که از جبهه جنگ فرار می کنند، نیستیم. آدمهای بی مثل ما با پیدای زکات و دفاع کنند، تا حداقل حیثیت ما حفظ شود. برادرم در جبهه قمر شیرین است و خودم نیز زرد بسیج ثبت نام کرده ام. ما تا آخرین نفس می جنگیم، تا جان داریم می جنگیم، مگر اینکه عراق خسارت ما را بدهد و از ایران بیرون برود. در غیر این صورت ما هر چه کمبود بیعت جنگ بوجود آمده باشد با جان و دل تحمل می کنیم و صدام را شکست خواهیم داد."

به جمع گروهی از کارگران ساختمانی، که در حال صبحانه خوردن هستند، می پیوندیم. با یکی از آنها به نام مظفر محمدی، صحبت می کنیم. وی می گوید:

دو پسر عموی من در جنگ هستند. در حالیکه ضد انقلابیون مناطق جنگی از آنجا فرار می کنند، آنها به پیشواز جنگ می روند. هر چه قدر هم اسلحه های ما ضعیف باشد، با زهم با ایمان قوی و اتحادی که با هم داریم، از هر نظر قوی هستیم. ما برای حفظ انقلاب حاضریم جان خود را بدهیم."

اتحاد کارگران و دیگر زحمتکشان ایران بزرگترین و مستحکمترین نیرو برای مقابله با توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا است. کارگران به خوبی ضرورت تشکیل اتحاد برای مقابله با این توطئه ها و پیروزی بر آنها را درک می کنند و سعی دارند با اتحاد و همبستگی در جهت رفع کمبودها و کمک به جبهه بکوشند، تا انقلاب در کوره مبارزه پیگیر آید و شود و هرمانعی را در راه گسترش خود از پیش پای بردارد.

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

دهقانان مینویسند:

دهقانان بی زمین و کم زمین کلاته ملامحمد خواستار تقسیم زمین های مالک بزرگده هستند

تقویت کرد. باید زمین را از دست مالکانی که نمی کارند و دام در آنها می چرانند و مانع کشت می شوند، گرفت و به دهقانان داد، تا جهاد کشت را با قدرت برآه اندازند و هر چه بیشتر به سود انقلاب و میهن تولید کنند.

کلاته ملامحمد، در شمال قوچان واقع است و حدود ۶ خانوار جمعیت دارد. اخیراً هیئت هفت نفری مستقر در شمال خراسان، برای صورت برداری و بررسی زمین های این ده از روستا بازدید کرد. در صورت برداری از زمینها، مالک ده، مقدار زمینهای خود را کمتر از آنچه که هست، ذکر کرده است. گروه تحقیق هیئت هفت نفری نیز در قبال این امر گفته است که ما زمینها را خود هکتار خواهیم کرد، تا واقعیت روشن گردد.

دهقانان زحمتکش کلاته ملامحمد طی دو نامه از هیئت هفت نفری تقاضای تقسیم زمین های غصب شده شان توسط مالک زورگو را کرده اند. دهقانان در این دو نامه، که یکی از جانب دهقانان بی زمین و دیگری توسط دهقانانی که زمین شان از طرف مالک ده غصب شده، نوشته شده است، خواستار رسیدن حق به حق دار شده اند.

در نامه اول، که بی زمینها به هیئت هفت نفری واگذاری زمین شمال خراسان نوشته اند، چنین می خوانیم: "ما دهقانان بی زمین روستای کلاته ملامحمد قوچان معروض می داریم: ما در این روستا ساکن هستیم، ولی به اثر ظلم و ستم رژیم سابق هیچ زمین نداریم و مجبوریم به کارگری در شهرها برویم. با توجه به قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین توسط شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، که به نفع ما مستضعفین می باشد، خواستاریم به روستا آمده و به وضع ما رسیدگی شود، تا بتوانیم بقیه عمر خود را در سایه رهبری انقلاب، امام خمینی و جمهوری اسلامی زندگی کنیم و از وارگی در این شهر و آن شهر خلاص شده و بتوانیم با کشاورزی خود، انقلاب و ایران را از نظر اقتصادی خودکفا کنیم.

با تشکر از اقدامات شما عده ای از دهقانان بی زمین روستای کلاته ملامحمد - قوچان

زیر نامه دوم اثر انگشت دهقانانی دیده می شود که مالک بزرگ زمین آنها را غصب کرده است. در این نامه از جمله چنین می خوانیم:

"زمینهای پدر بزرگ ما که در اختیار ما بوده و به کشت می برداختیم، توسط بزرگ مالک تصرف شده است. این زمین در آن زمان در اختیار برادر علی جبرئیلی جبرئیل جبرئیلی بوده است. این زمین حدود "ده سیر" بوده است. با توجه به قانون اصلاحات ارضی تصویب شده در شورای انقلاب مالک از ترس اجرای این قانون زمینهای ما را به اهالی "قاچکا نلسو" فروخته است. زمینهای دیگری هم که این شخص دارد، نگهداری نکرده و محصول را به گوسفندانش می دهد و زمین را می چراند.

ما با پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی و پشتیبانی از قانون اصلاحات ارضی، که به نفع ما مستضعفین می باشد، خواستاریم که از طرف این هیئت به روستا آمده و به خواست ما رسیدگی کنید و مانع از درگیری و تشنجی که این مالک بوجود می آورد، بشوید. اثر انگشت دهقانانی که زمین -

هایشان غصب شده، در شرایط حساس کنونی و در سراسر دوران زندگی یکسال ونیمی که از پیروزی انقلاب گذشته، همیشه سنگردفاع از حقانیت و دستاوردهای انقلاب بوده اند. امروز نیز باید با رسیدگی به خواست بحق آنان، این سنگر را در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور صدام حسین

مشکلات موجود در روستاهای اطراف اردبیل

روستای شهرپور، دره اکیلوتری اردبیل، ۱۰۶۰ نفر جمعیت دارد. اهالی این روستا بزرگترین مشکل خود را مسئله آبیاری می دانند. اراضی حاصلخیز و بربرکت این روستا بر اثر کم آبی حاصل چندان نمی دهند. در باصلاح اصلاحات ارضی رژیم طاغوت چنان بود که حدود ۱۰۰ زمینهای مزروعی در اختیار فقودال باقی ماند. بعد از انقلاب، این زمینها در فروردین ماه امسال بین دهقانان کم زمین و بی زمین تقسیم شد، ولی چون این تقسیم اصولی نبود، جهاد سازندگی با کمک هیئت نظری اعزامی به اردبیل، این زمینها را در اختیار خود گرفته و اداره و برداشت محصول را برعهده دارد.

علاوه بر مسئله زمین و آب مشکل دیگر این روستا آفات نباتی است. مزارع کشت در معرض هجوم نوعی آفت (باصلاح محلی لسه) قرار می گیرد و همه ساله خسارات زیادی متوجه کشاورزان می شود.

اختلاف بر سر مسئله آب ما بین این روستا و روستای "باروق" سالهاست که روستائیان را بخود مشغول کرده است. روستای دیگر "میرنی" است با ۴۰ خانوار، که در حدود ۱۲ کیلومتر از اردبیل فاصله دارد. مزارع آبی آبی به زودی می گراید. اهالی چاره این درد را در سبندی می دانند. به عقیده آنها اگر سبندی انجام گیرد، تمام روستاهای منطقه از نظر آب تامین خواهند شد.

این روستا فاقد آب آشامیدنی است. نبودن حمام و خرابی مدرسه و جاده از مشکلات دیگر روستائیان است. دختران از تحصیل محرومند. محصلین برای ادامه تحصیل مجبورند به روستای شهرپور یا اردبیل بروند. و چنین کاری را فقط اشخاصی که وضع مالی خوبی دارند، می توانند انجام دهند.

جوانی که خودش را یوسف کاظمی معرفی می کند می گوید:

"بخاطر فقر خانواده و کمک به تامین معاش خانواده ام، از تحصیل دست کشیدم."

روستای "باروق"، یکی دیگر از روستاهای فقرزده این منطقه، نمونه دیگری از ارنیه رژیم منحوس گذشته است.

این روستا با ۳۰۰۰ نفر جمعیت در ۱۲ کیلومتری اردبیل قرار گرفته و در آن مسئله آب مشکل بزرگی برای روستائیان است و هر سال اتفاقات ناگواری ببار می آید. در این روستا زمینهای زراعی، به وسعت تقریباً ۱۷۰ هکتار، هنوز در اختیار چند مالک بزرگ از یک خانواده است. در مانگا روستا بلا استفاده مانده است. جاده در این روستا نیز یکی از مشکلات مهم دیگر است. با یک گذار به این روستا می توان به مشکلات اساسی آنها پی برد: زمین و آب، دادسرای اردبیل پراست از روستائیان که بخاطر حل مسئله آب مراجعه می کنند.

در شرایطی که کشور ما در محاصره اقتصادی و توطئه های گوناگون امپریالیسم آمریکا قرار دارد، باید به حیات تری مسائل روستائیان، که در انقلاب شجاعانه و با تمام قوا شرکت کردند، توجه کرد، تا بتوانند ضد انقلاب و شیطان بزرگ را شکست داد. در این شرایط دشوار جنگ دهقانان محرومیت های فراوانی را تحمل میکنند، به این امید که در سنگر جبهه و در پشت جبهه، دین خود را ادا کنند و زمینه ساز زندگی بهتری در آینده باشند.

با اجرای عادلانه قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین و کوتاه کردن دست مالکان بزرگ از روستاها می توان از انقلاب را نا امید کرد.

برای حل مشکل کمبود آب آشامیدنی و زراعی، باید به اجرا برنامه های بنیادی و انقلابی دست زد. دفع آفات، ایجاد تعاونی های تولید و مصرف درمانگاه، مدرسه، برق کشی به روستا و غیره کمک میکنند. تا دهقانان وظیفه مهم و حیاتی از دیاد محصول و کشت بیشتر و بی نیاز کردن کشور را از نظر آذوقه عملی سازند. وظیفه انقلابی مقامات است که در این باره تدابیر جدی، فوری بیاندیشند. تا به دهقانان برای شرکت در جهاد کشاورزی و در هم شکستن محاصره اقتصادی امپریالیسم کمک شود.

از دروازه مشگین شهر در طول جاده اردبیل - مشگین شهر، که حرکت کنی، در دو طرف جاده می بینی کسبه روستاهای کوچک و بزرگی جا گرفته اند. سوختگی چهره ها در فصل کار و دستهای پینه بسته و گونه های گودا و استخوانی از مشخصات اصلی این روستاها است. با یک نگاه، هزاران درد در چهره کودکان میتوان خواند. برای آشنائی بیشتر سری به این روستاها می زنیم:

فقودالها، درگیری ایجاد می کنند و دشمن بهره برداری می کند

در روستاهای سوده، سیرمند و مزرعه در بخش حاجی آباد شهرستان بندرعباس، چندی پیش، بیش از ۲۰۰ نفر دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا زمین فقودال منطقه را در اختیار خود گرفتند و به زیر کشت بردند، تا محصول را برای میهن انقلابی خود تامین کنند و در شکستن محاصره اقتصادی آمریکا سهم باشند. فقودالهای منطقه، که هنوز خواب روزهای گذشته را می بینند، مخفیانه زمین مذکور را خریداری کرده اند و به دهقانان می گویند که: شما روی این زمین هیچگونه حق ندارید و زمین را ما خریداری کردیم و سند خرید را هم نشان می دهیم. دهقانان البته با این عمل مخالفت می کنند و زمین را حق مسلم خود می دانند و مطمئن هستند که جمهوری اسلامی ایران از حق واز مستضعفین حمایت خواهد کرد.

فقودالها با بیشرمی به دادگاه شهرستان علیه دهقانان "شکایت" می کنند، که از آنجا به دادگاه انقلاب منتقل میشود. دهقانان برای مقابله با توطئه فقودالها، ۹ نفر نماینده از میان خود انتخاب می کنند. فقودالها به کمک برخی عناصر ناباب که متأسفانه خود را در ارگانهای صاحب مسئولیت جا کرده اند، ۵ نفر از نمایندگان دهقانان را که از روستای سوده بودند به زندان می اندازند. دهقانان در برابر دادگاه انقلاب تجمع و به این عمل اعتراض می کنند. فقودالها با بیشرمی به دهقانان می گویند: "نمایند شما را که به زندان انداختیم، بعد هم نوبت شماست!"

این گفته فقودالها منجر به درگیری و زخمی شدن تعدادی از دهقانان و عمال فقودالها میشود. سرانجام ۵ نفر نمایندگان دهقانان آزاد می شوند، ولی ۳ نفر دیگر از دهقانان همچنان در بازداشت می ماندند، که کشاورزان خواهان آزادی دو نفر آنها هستند.

دهقانان مصممند از حق خود و اهداف انقلاب دفاع و همچنان در برابر فقودالها مقاومت می کنند. آنها زمینها را در اختیار دارند و نگذاشته اند که اربابان مفتخور بر آنها جنگ بیاندازند.

جای تأسف است که برخی مقامات بجای دستگیری فقودالها، که پایگاه داخلی آمریکا در آنجا قرار دارند، دهقانان زحمتکش را بازداشت کردند. مقامات مسئول با بدطبق قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، که به تصویب فقها و تایید امام خمینی نیز رسیده است، هر چه زودتر زمینها را به ما حیان واقعی آنها، دهقانان واگذار کنند و به توطئه گری مالکان و فقودالها پایان دهند.

دولت باید با پاکسازی عناصر مخرب و ناپاک از درون دستگاه های دولتی و نهادهای انقلابی، به زحمتکش و انقلابیاری رساند. دهقانان این روستاهای بندرعباس به تجربه میدانند که تنها در سایه اتحاد و شکل است که میتوانند به خواستهای خود دسترسی پیدا کنند.

کمک اهالی روستاهای جرقویه سفلی و علیا به مناطق جنگزده

نقدی و چنسی به همین منبشور جمع آوری شد. اهالی روستای مذکور با احساس همدردی به هموطنان جنگزده خود و نیز با احساس کینه نسبت به صدام جنایتکار و حامی وی شیطان بزرگ، در فعالیت های مختلف، در	ارتباط با جنگ تحمیلی شرکت می جویند. شرکت دهقانان زحمتکش در جبهه و برای تقویت پشت جبهه نمونه روشنی از اعتقاد و امید دهقانان به انقلاب و تحکیم دستاوردهای آنست که هم اکنون با توطئه امپریالیسم	آمریکا بصورت تها و نظمی به ایران توسط رژیم مزدور صدام حسین در معرفی آنها جم قرار گرفته است. با اجرای قانون اصلاحات ارضی دستاوردهای انقلاب را هر چه بیشتر تحکیم و پیاپیگاه داخلی امپریالیسم را ویران کنیم.
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

دراثر خرابی پل، اهالی منطقه رشت - صومعه سرا مجبورند مخارج زیادی را متحمل شوند

مدتی است پل جمع بازار در اطراف رشت - صومعه سرا شکسته شده، که رفت و آمد دهقانان این منطقه را دشوار کرده است. اهالی این منطقه	مجبورند از این باب متحمل مخارج زیاد شوند. کرایه شخصی ۸۰ ریال و مینی بوس ۵۰ ریال است و تا مین پول آن از عهده اهالی مستضعفان	منطقه بر نمی آید. به گفته اهالی، ترمیم این پل، کاملاً مسورد احتیاج است و باید هر چه زودتر از طرف مقامات استانی در جهت ترمیم آن اقدام شود. با ترمیم این پل، دهقانان برداشته میشوند و شرایط تولید برای تقویت اقتصاد در پیشتر جبهه سهل تر خواهد شد.
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

بخش عمده ارتش بیست میلیونی را دهقانان زحمتکش تشکیل میدهند. دهقانان! فوراً به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و دستورهای آنرا عملی سازید

نامه سرگشاده کانون صنفی فرهنگیان در مورد نحوه پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش

احتراما کانون صنفی فرهنگیان در رابطه با نحوه پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش تاکنون نظرات و انتقادات خود را طی اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مکرر اعلام داشته است. ولی چون متأسفانه در برخی موارد روند پاکسازی را متناسب با روح انقلاب پرشکوهِ اسلامی ایران و قانون اساسی، که خونهای هزاران شهید بخون خفته است نمی‌بیند، اینبار مستقیماً نمایندگان مجلس شورای اسلامی، این نهاد روئیده از انقلاب را مخاطب قرار می‌دهد و امیدوار است که نمایندگان عضو کمیسیون آموزش و پرورش که خود اکثر ازمیان معلمان محروم و زحمتکش انقلابی برخاسته‌اند و سایر نمایندگان، با علاقه، وظیفه و عشقی که نسبت به حفظ دستاوردهای گرانقدر انقلاب کبیرا ایران دارند، با احساس مسئولیت انقلابی نسبت به مسئله پاکسازی برخورد نموده و در حل و فصل این معضل اجتماعی روز، به طریقی عاقلانه و عادلانه همت گمارند.

پس از پیروزی انقلاب برهبری خردمندانۀ امام خمینی، لزوم پاکسازی و طاعت زدائی در همه اشئون اجتماعی کشور در دستور روز قرار گرفت. مسلم است که در وزارت آموزش و پرورش نیز، که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است این امر خطیر بایستی با دقت و بدون شتابزدگی و با قاطعیت توأم با حسن نیت انجام می‌گرفت. بر کسی پوشیده نیست که از شروع پاکسازی تاکنون عده‌ای از عناصر ساواکی و عوامل فاسد و وابسته به رژیم طاغوتی گذشته از صحنه فرهنگ طرد شده‌اند، که این خود موجب دلگرمی و مورد تایید همه معلمان زحمتکش و انقلابی است. ولی در این زمینه نه تنها قاطعیت لازم اعمال نشده، بلکه می‌بینیم که در برخی موارد عناصر ضد انقلاب ساواکی و مزدوران رژیم طاغوت با زرنگی‌های خاص خود با توسل به انواع حیل‌ها و حقه‌بازیها از قبیل "توبه" و یا با ملطمانه‌نمایی، با گذاشتن ریش و بدست گرفتن تسبیح و... خود را از ورطه پاکسازی، اخراج، بازنشستی و با آماده به خدمت شدن معصوم داشته‌اند. در کنار این جریان، با زهم شاهدیم که صدها معلم ورزیده و متخصص، که عمدتاً از بهترین، پرتجربه‌ترین و متعهدترین معلمان کشور بوده و آماده هرگونه فداکاری و جانفشانی بخاطر تثبیت جمهوری اسلامی ایران و حفظ دستاوردهای انقلاب هستند، تنها بدلیل داشتن عقاید سیاسی از محیط آموزشی کنار گذاشته می‌شوند. دیدیم که بسیاری از همین معلمان متعهد، که امروز خانه نشین شده‌اند، در پیشاپیش شاگردان خود به خیابانها، یعنی به میدان نبرد با جلادان رژیم سفاک پهلوی شتافتند، و چه بسیارند معلمان و دانش‌موزانی که با عقاید سیاسی گوناگون، خون پاک خود را در راه مبارزه بخاطر استقلال وطن و باور ساختن نهال انقلاب اسلامی ایران هدیه کردند.

بر نمایندگان محترم پوشیده نیست که در لحظات حساس و تاریخی زنگونی، که جمهوری اسلامی نوپای ما مورد تجاوز و وحشیانه حکومت مزدور بعثی عراق قرار گرفته و ضد انقلاب داخلی و سرسپردگان رژیم منحوس و نوگرفت سابق و ساواکیهای آدمکش و مالا میریالیسم غارتگر و

پرسی مسائل...

بقیه از صفحه ۳ بقیه

وضع گیری‌های او است. ولی نمی‌توانیم از این انتقاد صریح خودداری کنیم که آنها نتوانستند میان خود و لیبیرالها یک حد فاصل روشن و یک خط قرمز بکشند و خود را از نیروهایی که آشکارا در جهت مخالف سمتگیری‌های اساسی انقلاب ایران کام برمی‌دارند، جدا کنند. ما می‌دانیم که ارزیابی سازمان مجاهدین خلق درباره نقش روحانیت مبارز، از جهاتی شبیه ارزیابی‌های "اقلیت" سازمان چریک‌های فدایی خلق است و ما این ارزیابی‌ها را نادرست می‌دانیم. البته سازمان مجاهدین خلق آزاد است که نظر خود را داشته باشد. ولی ما این موضع گیری را برای تجمع نیروهای مبارز ضد امپریالیستی و خلقی زیانمند می‌دانیم و به همین جهت هم مورد عتاب و خطاب سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته‌ایم، منتها به‌طور غیرمستقیم یعنی توسط گروهی که خود را سازمان دانشجویان مسلمانی دانشگاه‌های ایران می‌نامد و وابسته به مجاهدین خلق است. این گروه نشریه‌های سرشار از فحش و ناسزا و در سطح فحاشی نشریه‌های واقعا ساواکی، علیه حزب توده ایران پخش کرده است. ما می‌خواهیم تردید کنیم که نشریه‌های در یک چنین سطح سیاسی پایین، واقفا توسط سازمان مجاهدین خلق پخش شده‌باشد. چه بسا ممکن است مخالفان آنها، کسانی که می‌خواهند آب را گل آلود کنند، برای دور کردن بیش از پیش نیروهای واقفا انقلابی از یکدیگر، دست به انتشار آن زده باشند. لحن این نشریه شبیه است به لحن نوشته‌های روزنامه‌های لیبرال علیه حزب توده ایران، شبیه است به لحن همان حرف‌هایی که گروه اشرف دهقانی و سازمان "پیکار" علیه حزب توده ایران می‌زنند.

ولی به فرض این که این نشریه اصلی هم باشد، ما نظر خودمان را نسبت به سازمان مجاهدین خلق تغییر نخواهیم داد. اما این که در سوال گفته شده است که آیا نباید درباره بعضی از رهبران این سازمان شک کرد، ما همانطوری که همیشه شیوه ما بوده است، با این نوع ارزیابی‌ها موافق نیستیم. ما یک سیاست را غلط تشخیص می‌دهیم و جوانب نادرست همان سیاست را تشریح می‌کنیم. این کاملاً امکان دارد در سازمانهای بطور کلی سالم، برای یک مدت طولانی ارزیابی‌های نادرست و انحرافی حاکم باشد، بدون اینکه سلامت واقعی این سازمان بتواند مورد تردید قرار گیرد. بنابراین ما نباید در مورد هویت سیاسی کسانی که این اشتباهات را می‌کنند دچار شک و تردید شویم. ما حتی درباره مخالفان سرسخت خودمان حتی درباره عناصر لیبرال به این آسانی تردید نمی‌کنیم، یعنی معتقد نیستیم که مثلا مهندس بازرگان "عامل امپریالیسم آمریکا" است. نه، ما هرگز به چنین چیزی اعتقاد نداریم، بلکه معتقدیم که او روی تشخیص منافع طبقاتی اش این گرایش را دارد. پس وقتی ما در مورد دشمنان سرسخت خودمان این احتیاط انسانی شرافتمندانۀ و انقلابی را داریم، در مورد کسانی که معتقدیم در جبهه متحد نیروهای خلق قرار دارند، بسا وجود اشتباهات تاکتیکی فوق العاده سنگین و زیان بارشان، هیچوقت چنین چیزی را به خودمان اجازه نمی‌دهیم. و به هواداران حزب هم توصیه می‌کنیم که در این مورد فوق العاده با احتیاط باشند. این روش توده‌ای نیست که ما هویت سیاسی افراد را غیر از آنچه که واقفا هست جلوه دهیم. چنین شیوه‌ای در تاریخ محکوم است و ما دنبالش نمی‌رویم.

پایان

جنایتکار آمریکا، به نتیجه این تهاجم دلپسته‌اند. ایجاد هرگونه تشنج و تفرقه در صفوف بهم فشرده مردم، ایجاد ناراضی‌های بیجا، رساندن افراد مومن و متعهد و در نتیجه کاشتن تخم یاس و نومیدی در دل آنان، تنها به تقویت صف ضد انقلاب کمک خواهد کرد و طعمه بسیار مناسب و لذیذی در اختیار آنان قرار خواهد داد. مگر رگتی، یکی از عوامل کودتای نافرمان ۸ تیر گفت: "بما دستور داده بودند قبل از همه سراغ افرادی بروید که بعنوان پاکسازی از ادارات اخراج شده‌اند؟" بنابراین ادامه بی‌رویه پاکسازی به بهانه‌های ست و غیرموجه، از قبیل مکتبی نبودن و یا صرفاً بدلیل داشتن عقاید سیاسی، نه تنها به صلاح و صرفه فرهنگ کشور نیست بلکه مغایر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، که تصریح می‌کند:

۱- دولت جمهوری اسلامی ایران خود را موظف به محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی، میدانند (پایه ۶ از اصل سوم قانون اساسی)
۲- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان بصراف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. (اصل ۲۳ قانون اساسی).

۳- حیثیت جان، مال، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. (اصل ۲۳ قانون اساسی)
بر اساس مواد مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کانون صنفی فرهنگیان به اعضای کمیسیون محترم وزارت آموزش و پرورش و مجلس شورای اسلامی پیشنهاد میکند که اصول دوگانه و موارد یازده گانه زیرین را مورد توجه و امعان نظر دقیق قرار دهند:

۱- اصل الف - اعلام آسامی ساواکیها و عمال رژیم گذشته و طرد آنان از محیط آموزشی کشور.
تردید نیست که ساواکیها خطرناکترین و وحشت-انگیزترین شبکه‌ها را در ادارات دولتی و بخش خصوصی و ویژه در آموزش و پرورش که از حساسترین نهادها و محل تربیت و پرورش نسل جوان کشور است بوجود آورده بودند. اینها و سایر سرسپردگان رژیم منغور و وطن فروروش پهلوی، اکنون هم از مهمترین پایگاههای ضد انقلاب و در حقیقت ستون پنجم امپریالیسم محسوب میشوند. اینان اکنون از تفاتشین انقلاب در هراسند و جرات فعالیت علنی ندارند، ولی بر همه کس روشن است که این جنایتکاران و خیانتکاران حرفه‌ای، هم اکنون در گوشه و کنار، محیلانه و مزورانه، در همه شئون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور مشغول خرابکاری و کار شکنی هستند و بمجرده یافتن فرصت مناسب و دریافت دستور از اربابان پستگه‌دنیایی خود، با همان بیرحمی و قساوت بمیدان خواهند آمد. و دهنه خورشید خویش را در قلب انقلاب عزیز و پرشکوه ما خواهند نشان داد. این دون مفتان سالیان دراز فرهنگ مملکت را عرصه تاخت و تاز بلامنازع خود قرار داده بودند و از همه نعمات و امکانات مادی برخوردار بودند. لازم به یاد آوری نیست که قسمت اعظم بودجه آموزش و پرورش ما را همین مزدوران، که سالیان دراز و به کرات در مکتب خیانت و جنایت آموز "سیا" و دستگاه های جاسوسی صیو- نیستی در خارج و داخل کشور، دوره "دیده بودند، حیف و میل کردند و با تمام نیروی اهریمنی خود کوشیدند روح میهن دوستی و استقلال طلبی و حس مقاومت در مقابل استثمار و استعمار را در جوانان ما بکشند و تمایل به لهو و لعبه انحراف اخلاقی، اعتیاد و بی‌تفاوتی و بی-بندوباری را در ذهن آنان جایگزین سازند. این ساده لوحی است که گمان کنیم این موجودات پلیدی بی مسلک با موعظه و نصیحت و با توبه به انسانهای بی‌خطری برای انقلاب تبدیل خواهند شد. این ضرب المثل گویا و اصیل را فراموش نکنیم که میگوید: ترجم برپلنگ تیز دندان، ستمکاری بود برگوسفدان.

ما امیدواریم که اعضای محترم کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی ترتیبی اتخاذ فرمایند که هر چه زودتر آسامی ساواکیها و تعزیه گردانان فعال رستاخیزی در آموزش و پرورش اعلام و محیط آموزش کشور یکبار برای همیشه از لوٹ وجود آنان پاک گردد. اصل ب - جلوگیری از برکنار ساختن معلمان مومن به انقلاب تنها بدلیل داشتن عقاید سیاسی. بفرموده آیت اله منتظری افراد متخصص، در هر جا که هستند، اگر بر علیه انقلاب توطئه نکنند، باید از وجودشان استفاده شود، نظیر این سخنان را بسیاری از رهبران انقلاب و مقامات مسئول مملکتی اظهار داشته‌اند. آیت اله منتظری در جای دیگر فرموده اند که: توطئه گر را هر چند که تخصص برجسته داشته باشد، باید به سود انقلاب تصفیه کرد، زیرا، چودرزی با چراغ آید گزیده تر برد کالا.

کانون صنفی فرهنگیان نیز به این بیانات سنجیده و منطقی احترام میگذارد و معتقد است که عناصر ضد انقلاب به هر شکل و هیاتی که در آیند، باید از صحنه آموزش و پرورش کشور طرد گردند، و در هر درجه‌ای از نبوغ، کجاست و تخصص که باشند، باید عطایشان را بهلقایشان بخشید.

با توجه به موارد فوق، عادلانه نیست که معلم کارکشته و ورزیده‌ای را که عمری در تعلیم و پرورش جوانان سپری کرده و با انواع محرومیتها، حق کشیها، حقوق کم و سختی معیشت ساخته و شرافتمندانۀ وظیفه خود را انجام داده، و از همه مهمتر، بدون هراس از شبکه مخوف خبرچینان و شکنجه‌گران ساواک آریامهری، همواره بذر استقلال طلبی و وطن پرستی و بیگارجویی علیه ظلم و استبداد در دل جوانان وطن کاشته است صرفاً بدلیل داشتن عقاید سیاسی از ادامه کار مورد علاقه خود محروم ساخت، ناگفته نماند که برخی از همین معلمان، که بناحق مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند، بخاطر اعتقاد راسخی که به حفظ و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی دارند، هم اکنون با نهایت ایثار و از خود گذشتگی در جبهه‌های جنگ مشغول نبرد با نیروهای شیطنی صدام مزدور هستند. مضافاً اینکه، برخی از این تصفیه شدگان را، که دارای هیچگونه ایدئولوژی سیاسی نیستند و یا احتمالاً نسبت به انقلاب بی‌تفاوت هستند و یا هنوز به عمق و عظمت و ارزش والای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما، پی نبرده‌اند

میتوان از طریق کلاسها و سمینارهای توجیهی ارشاد کرد و سمت صحیح را به آنها نشان داد و آنانرا به حقانیت انقلاب و لزوم حفظ استقلال و مبارزه با استکبار جهانی آشنا ساخت. همانطور که حجت الاسلام خامنه‌ای در نماز جماعت در دانشگاه تهران فرمودند، مبارزه ما برای حفظ استقلال و دستاوردهای انقلاب خود، به این زودیها خاتمه نخواهد پذیرفت، و سالیان درازی درگیر این نبرد حق-طلبانه خواهیم بود. بنابراین، ما در این دوران بسیار حساس و خطیر از تاریخ ایران، هر چه بیشتر به دوست انقلاب نیازمندیم. این وظیفه تاریخی، سترگ و در عین حال مقدس برعهده ما است که دشمنان و دوستان واقعی انقلاب را بشناسیم و با انحصار طلبی‌ها و اعمال غیرمنطقی و فشارهای بیجا، دشمن نتراشیم و روز بروز صف خصم را تقویت نکنیم.

از نظر کانون صنفی فرهنگیان ملاک گزینش معلم نمیتواند چیزی جز عشق به استقلال میهن و حفظ و تحکیم بنیاد جمهوری اسلامی ایران باشد. بنظر ما هر معیار دیگری ست و فاقد اعتبار است.

در خاتمه موارد مشخصی که بنظر کانون صنفی فرهنگیان میتواند در تدوین ملاکهای پاکسازی مورد استفاده نمایندگان محترم عضو کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی قرار گیرد، شرح زیر تقدیم می‌دارد:

۱- اعلام رسمی لیست اعضاء و خبرچینان ساواک در وزارت آموزش و پرورش
۲- پاکسازی و طرد عناصر ساواکی و وابستگان به رژیم سابق و همه کسانی که با دستگاه ظلم طاغوت و حزب رستاخیزی شهنشاه ساخته همکاری موثر داشته‌اند (وابستگان رژیم سابق کسانی محسوب میشوند که طبق مدارک و اسناد، در رژیم پیشین دارای پست و مقام بوده و در اشاعه فرهنگ فاسد آریامهری - آمریکائی کوشیده‌اند).

۳- عدم استخدام مجدد افراد مذکور در بند ۲، در آموزش و پرورش و سایر ادارات دولتی،
۴- اخراج افرادی که طبق مدارک مستند، به رشوه خواری و اختلاس، رواج فساد در فرهنگ و عدم صلاحیت اخلاقی، متهم هستند.

۵- جلوگیری از برکنار ساختن معلمان که مومن به انقلاب هستند، بدلیل داشتن عقاید سیاسی و لغو کلیه احکامی که در این مورد صادر شده است و پرداخت حقوق دوران تعلیق به آنها.

۶- اعلام ضوابط مستدل جهت پاکسازی از رسانه‌های گروهی و جلوگیری از هرج و مرج و اعمال اغراض خصوصی و برداشتهای شخصی.

۷- اعلام ضوابط انتخاب کمیته‌ها یا کمیسیون های پاکسازی و ارجاع موارد تخلف آنان به دادگاه،
۸- ذکر دلیل و علت پاکسازی، تصفیه، بازخرید، اخراج و آماده به خدمت شدن، در احکام صادره،

۹- دادن حق انتخاب وکیل و دفاع از خود، به معلمان که به موارد مذکور در بند ۸ اعتراض دارند، در دادگاه ویژه اداری.

۱۰- تشکیل یک کمیسیون عالی جهت نظارت بر کار کمیته‌های پاکسازی و ارجاع موارد تخلف آنان به دادگاه،
۱۱- اعاده حیثیت از معلمان انقلابی و متعهدی که بدون ذکر دلیل و همزمان با عناصر ساواکی و مزدوران رژیم سابق به شوعی برکنار شده‌اند.

با تقدیم احترامات ناقصه کانون صنفی فرهنگیان

رونوشت:

رئیس مجلس شورای اسلامی
کمیسیون روابط عمومی مجلس شورای اسلامی
خبرگزاری پارس
چراغ



طبقه کارگر...

باقیه از صفحه ۱
یا کسانیه و کامبای کوچک به
سود کارگران، یا همان شکل
و محتوای دوران طاغوت باقی
مانده و حتی کسانی هنوز مقامات
وزارت کار را در تصدی دارند،
که پرورش یافته و آموخته مکتب
طاغوت هستند، با شیوه های کار
آن دوران خو گرفته اند، پی-
باوری به حقوق کارگران، تسلیم
در برابر سرمایه داران، بی اعتنائی
به خواسته های طبقه کارگر و تحقیر
و توهین نسبت به این طبقه آفریننده
نعمات، طبیعت ثانوی آنان شده
است، کرازا کارگران به
مطبوعات کشور و مقامات مسئول
شکایت برده اند که در دوران
پس از انقلاب، اکثر مسئولین
وزارت کار، همانند دوران طاغوت
با ما رفتار میکنند، از این اداره
به آن اداره ما را پاس میدهند،
کار ما را از امروز به فردا می-
اندازند و سرانجام هم غالباً حق-
کنشی میکنند و بطور عمده جانب
کارفرما را میگیرند.

باشند. اگر قرار باشد همان
بازرسی که در دوران طاغوت
در پامال کردن حقوق کارگران،
هدست کارفرمایان بودند، هنوز
هم بعنوان بازرس وزارت کار
عمل کنند، مسلماً همان حق کنشی،
به شیوه های دیگر ادامه خواهد
یافت. اگر قرار باشد همان
هیئت های حل اختلاف، که در
دوران طاغوت، جانب کارفرمایان
را می گرفتند، امروز هم هیئت حل
اختلاف باشند، حتی از کارگران
ایضا نخواهد شد. از اینجست
است که تجدیدنظر اساسی در
سازمان وزارت کار، هم در شکل
و هم در محتوا، امری ضروری
است.

مسئله مهم دیگری که آقای
محمد میرصادقی بر آن تکیه کرده،
ارجاع قانون جدید کار به نظر-
خواهی کارگران است، امری
که پیوسته از خواسته های کار-
گران بوده است. کارگران
قانون کار طاغوتی را ناقص حقوق
خود میدانند و خواستار قانون
جدیدی هستند که بازتاب خواسته-
های آنان باشد. جای خوشوقتی
است که اکنون وزیر جدید کار
میگوید:

«قانون کار در حال تدوین
است... ما معتقد هستیم که
حکومت روی زمین با مستضعفین
است و سعی میکنیم که در این
جهت حرکت کرده و قوانین در
این خط باشد.»

وزیر جدید کار با بیان این
واقعیت که، کارگران بهتر می-
توانند ضعیف های موجود در جوامع
کارگری را مشاهده کنند، از
کارگران سراسر کشور خواسته
است که:

«برای رسیدن به اهداف عالی،
نظرات و پیشنهادهای شما را به
وزارت کار ارسال کنند.»
نکته ای که طرح آن مجدداً
و در اینجا بطور اخص ضروری
است، آنستکه، دستیابی به
نظریات و پیشنهادهای کارگران
با مراجعات فردی و گروهی
ممکن نیست. زمانی وزارت کار
خواهد توانست از نظریات طبقه
کارگر بدستی اطلاع یابد که
متن قانون جدید در سازمانهای
سیاسی - صنفی کارگری، یعنی
اتحادیه ها و سندیکاهای مورد بحث
و مذاکره قرار گیرد و نظریات
کارگران بوسیله نمایندگان
منتخبشان، طی یک کنفرانس
سراسری اتحادیه ها و سندیکاهای
کارگری، به اطلاع مقامات
مسئول برسد و در قانون جدید
بازتاب یابد. بنابراین، وزیر جدید
کار و امور اجتماعی، که معتقد
به شرکت فعال کارگران در
تدوین قانون کار است، باید از
هم اکنون تمام موانعی را که بر
سر راه تشکیل اتحادیه ها و
سندیکاهای کارگری وجود دارد،
از میان بردارد و مروج و مشوق
تشکیل و گسترش اتحادیه ها و
سندیکاهای - این نهادهای مدافع
حقوق کارگران - باشد.

اشاره دیگر وزیر جدید کار
برای آنکه این وزارتخانه
حساس، که با زندگی شش میلیون
کارگر سروکار دارد، به یک
وزارتخانه مردمی مبدل شود، باید
سازمان آنرا زیر و رو کرد و
کسانی را در مقامات حساس
نشانده، که مومن به انقلاب و
معتقد به حقوق طبقه کارگر

باشند. اگر قرار باشد همان
بازرسی که در دوران طاغوت
در پامال کردن حقوق کارگران،
هدست کارفرمایان بودند، هنوز
هم بعنوان بازرس وزارت کار
عمل کنند، مسلماً همان همان حق کنشی،
به شیوه های دیگر ادامه خواهد
یافت. اگر قرار باشد همان
هیئت های حل اختلاف، که در
دوران طاغوت، جانب کارفرمایان
را می گرفتند، امروز هم هیئت حل
اختلاف باشند، حتی از کارگران
ایضا نخواهد شد. از اینجست
است که تجدیدنظر اساسی در
سازمان وزارت کار، هم در شکل
و هم در محتوا، امری ضروری
است.

و امور اجتماعی، پس ضرورت
تعیین حدود مالکیت از سوی
مجلس شورای اسلامی، اشارتی
است کاملاً منطقی، زیرا مهم
ماندن حدود مالکیت در بخش
صنعتی، موجب سوء استفاده های
فراوان سرمایه داران بزرگ و
کارفرمایان طاغوتی شده است.
نمونه های فراوانی وجود دارد که
سرمایه داران بزرگ توانسته اند،
کارخانه خود را از شمول «ملی
شدن» یک قلم خارج کنند و
موارد دیگری وجود دارد که
پرونده کارخانه فلان سرمایه دار،
بتدریج از بخش صنایع ملی شده
غیب شده و به قسمت صنایع و
معادن بخش خصوصی انتقال
یافته است. نمونه گویای آن،
پرونده «منبتی» هاست که به نوشته
اطلاعات (۴ آذر ۵۹) هشت ماه
پس از محاکمه، هنوز تصمیم
قطعی درباره شان گرفته نشده و
پرونده کارخانه شان از بخش
صنایع ملی شده به صنایع و
معادن بخش خصوصی عودت داده
شده است و این نمونه ها کم
نیست.

حل مسئله بیکاری، با آنکه
منحصراً در حیطه وظایف وزارت
کار و امور اجتماعی نیست، و در
پیوند مستقیم با برنامه های اقتصادی
و عمرانی دولت قرار دارد، ولی
با وظایف این وزارتخانه هم
بیگانه نیست و توجه وزیر جدید
کار، آقای میر محمدصادقی نسبت
به مسئله بیکاری توجهی است
منطقی و لازم.

تعداد ۵۰۰ هزار بیکار که در
دفاتر آمار وزارت کار منعکس
است، آمار است غیر واقعی،
زیرا همه آدامس و آتش و سیرابی
و چراغ قوه فروشان دوره گرد
جزو شاغلین بحساب آمده اند،
در حالیکه اینها مشاغل کاذبی
است، که به علت ابتلاء به
بیکاری بوجود آمده است. این
خیل ده کارگران و دوره گردها
در واقع جزو سپاه بیکارانند که
برای امرار معاش روزانه خود به
چنین مشاغل کم درآمدی پناه
برده اند. اینان به غلط در شمار
شاغلان محسوب شده اند.

مسئله بیکاری، مسئله ای است
جدی، که با زندگی میلیونها نفر
هموطن ما سر و کار دارد و
جنگ تحمیلی آنرا حادث هم کرده
است. با این مسئله جدی و حاد
باید برخورد جدی داشت و با
تدوین برنامه های اقتصادی منطقه ای
و سراسری درازمدت و کوتاه
مدت، برای بیکاران کار تهیه
کرد.

توقع طبقه کارگر آنست که
- همانطور که آقای وزیر کار
و امور اجتماعی وعده داده است-
از این پس وزارت کار را وزارت
کارفرمایان بنینند، قانون کار
بازتاب خواسته ها و مدافع حقوق
او باشد، دست سرمایه داران
بزرگ و کارفرمایان طاغوتی از
صنایع کشور کوتاه شود، و در
راه تحقق حاکمیت مستضعفین،
گامهای اساسی برداشته شود.
بامید آرزو.

حجت الاسلام موسوی...

بقیه از صفحه ۱

از این بحث وجود دارد، و الا یک بحثی به این
روشنی چطور میتواند جنجال بیافریند.
آیا تاکنون یک انسان عاقل گفته است که
ما به تخصص نیازی نداریم، مگر میشود؟
پستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون. در هیچ
منطقه، در هیچ دینی، متخصص و غیر متخصص
نمیتواند یکسان باشد. همچنانکه در آن طرف
قتضیه مساله ایمان و مکتب مطرح است و هیچکس
نمیتواند بگوید ایمان و مکتب اساساً معیار نیست،
یعنی مومن و غیر مومن یکسان باشند و خودی آن
میگوید: آیا مومن و غیر مومن یکسان هستند؟
و بنظر من هر دو مساله از بدیهی ترین مسائل است،
اما این مساله بصورتی مطرح است که تصور
میشود در جامعه ما یک قشری هستند که معتقدند
ایمان ارزش ندارد و گروه دیگری عقیده دارند
تخصص ارزش ندارد و انسان احساس می کند که
یک «دستی» آمده است که این دو عده را به هم
پیندازد.

در تقسیم بندی اجتماع ما این حالت پیش آمده
است که گویا یک عده بیشتر مؤمن اند و یک عده
بیشتر متخصص و در نظام اجتماعی گذشته یک عده
مومن و متقی بوده اند و یک عده روشنفکران و
متخصصان، و چون این حالت غلط در جامعه قبلی
ما وجود داشت، الان این بحث مطرح است
و می خواهد به آثانی که متخصص اند بگوید که
مومنین شما را قبول ندارند، و برعکس، به مومنان
بگوید که متخصصین شما را قبول ندارند و درست
تمام آن زحمات امام، که برای نزدیکی این دو
قشر از جامعه صورت گرفته است، بی اثر شود
از دو قشر به یکدیگر پیام دروغ فرستاده اند که
هر دو فکر کنند دشمن یکدیگرند و بدون شك
شیطان بزرگ طراح این اختلاف است. در حالیکه
ما نمیتوانیم انکار کنیم که مومن بدون تخصص
یقیناً ارزش کمتری از مومن متخصص دارد، و
متخصص مومن بیشک اعتبار و ارزش بیشتری از
متخصص غیر مومن دارد و باز برمیگردیم به
فرمایش امام، که «ما ها را بازی داده اند». زیرا که
هدف طرح این مسائل بدیهی و روشن به هم ریختن
ماست. امیدوارم که هر دو قشر متوجه باشند که
این بحثها، اکنون بحث اصلی و مساله عمده ما
نیست، بلکه فقط میخواهند ما را بازی دهند.

سیس حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در مورد
این موضوع که: آیا حل مساله گروگانها تأثیری
در سرنوشت جنگ دارد گفت:

«همانطور که من در جلسات غیر علنی مجلس
هم گفته ام، مساله جنگ با گروگانها اصلاً ارتباطی
ندارد و این از شیطنت های خود آمریکاست که
می خواهد با تبلیغات در ایران توسط ستون پنجم
خود به مردم بگوید تمام این مشکلاتی که شما
درگیر هستید، از جانب همین پنجاه نفر آدم است
و نتیجتاً مردم به این قضاوت بنشینند که آیا
گروگانگیری برای ما آنقدر اهمیت داشت که ما
این چنین تلفات و صدماتی بدهیم؟ و این خط
آمریکاست، چرا که جنگ ربطی به گروگانگیری
ندارد و این جنگ تحمیلی به آمریکا ارتباط
دارد، چرا که اوست که عراق را تحریک می کند
و هم او نیز منافع این جنگ را می برد، زیرا هر
ضربه ای که به انقلاب اسلامی ایران بخورد، منافعی
به جیب آمریکا می رود، و هر کس که در این
ضربه زدن به ما سهیم باشد، در حقیقت به نفع
آمریکا اقدام کرده است و به فرمایش امام تمام
بدبختی های ما از آمریکاست و به همین دلیل تمام
حملات و تفنگها و قلم های ما باید بسوی آمریکا
نشانه برود. آمریکا برای ۵۰ انسان نیست که دست
به توطئه علیه ما میزند، بلکه ما با آمریکان اقتصاد
اصلی و غیر قابل حل داریم، چرا که منافع آمریکا
را ما در ایران نابود کرده ایم. چطور شصت هزار
شهبندی که در ایران کشته شدند برای آمریکا
ارزشی نداشت؟ چگونه چندین هزار آمریکائی
را دولت آمریکا در ویتنام به کشتن داد؟ پس
معلوم است که گروگانها هیچ ارزشی از نظر انسانی

برای آمریکا ندارند ما گروگان گیری نکرده بودیم،
اما موضع ما همان موضع امام باشد که توی دهن
آمریکا می زند، مسلماً آمریکا علیه ما توطئه می کرد،
اما اگر برعکس، منافع آمریکا را تامین می کردیم،
ولی هزاران آمریکائی را در این جا زندانی
می کردیم، خود آمریکا توجیه می کرد که
پله، ایران کار خوبی کرده است که هزار آمریکائی
را اسیر کرده است. اگر منافع آمریکا اشباع
و تامین نشود، پیوسته دست به توطئه خواهد زد.

بنابراین جنگ و گروگانگیری ربطی به هم
ندارد و کسانی که می خواهند این دو مساله را
بهم ربط دهند، درست در خط آمریکا هستند،
یعنی می خواهند حرکتی را که ملت یکسال است
حمایت می کند و امام فرموده اند انقلاب بزرگتر
است، باور جامعه را در مورد این حرکت تغییر
دهند و بگویند اینکار نادرست و غلط بود و
موجب ضرر و خسارت شد و باید آنها را آزاد
کنیم. آنها کسانی هستند که می خواهند واقعیتها
مطرح نشوند و غیر واقعیتها مطرح باشند اما واقعیت
اینست که ماهیت این انقلاب آمریکارا واداره به تحریک
علیه آن کرده است، لذا تنها چیزی که آتش جنگ
را خاموش خواهد کرد، فقط گفتن یک جمله است
که ایران منافعی را تامین کند و او دوباره باز
راه بیفتد و بیاید اینجا.

البته آمریکا عجله ای ندارد و به روابط
در سطح سال ۱۳۲۰ قانع است اگر ما در مقابل
آمریکا بایستیم آنقدر از این بازیها درخواه آورد
که خود آمریکا و دیگر کشورها بفهمند که
ریشه های این انقلاب محکم شده است و دیگر
نمی شود با آن کاری کرد، آموغع بنابر همان
خصلت بیست شان خواهد و تنها می کنند که یک-
جوری در مقابل انقلاب کنار بیایند، چون آمریکا
در مقابل قدرت تسلیم است، ولی اگر یک ضعیف
گیرش بیاید توی سر او می زند و بفرموده ام
درست مثل یک حیوان وحشی می ماند که اگر
در مقابل او بایستیم فرار می کند و اگر از جاوی
او فرار کنیم، تعقیب مان می کند و ضمناً اضافه
کنم که سیاست آمریکا به دلایل گوناگونی از-
جمله شکست سیاست خارجی آمریکا در سراسر
جهان، درهم شکسته شده است و ریگان و کورتن
هر دو بازیگر یک صحنه اند.

حجت الاسلام خوئینی ها در مورد بازسازی
ویرانیهای جنگ گفت:

خوشبختانه در این جنگ برخلاف تصور
آمریکا اندام جامعه ما قوی و مقاوم است، و
جامعه ما آن غده مرض را که رژیم شاه بود، از
بدن خود خارج کرده است الان وقتیکه شما این
شهرها را می بینید فعالیت همه جانبه مردم ما را
برای دفع این مرض و هجوم دشمن مشاهده می-
کنید و درست مانند همان بیمار همه اندام بدن
در حال تلاش و ساخت و ساز هستند.

بیشک در هنگام بازسازی کشور ملت تلاش
توصیف ناپذیری خواهد داشت و به تعبیر امام
نیروی ملت نیروی لایزال الهی است و ما خواهیم
دید که این مشکلات برای ملت بزرگ ماجیزی
نیست و ۳۵ میلیون جمعیت خرابی یک استن را
بسادگی تحمل خواهد کرد، همانطور که ۸ میلیون
مردم الجزایر یک میلیون شهید را تحمل کردند
و دلیلش هم حضور ملت در صحنه اجتماع است.

بنابراین در ساختن ویرانی های پس از جنگ
اگر روش ماشیومای باشد که مردم همچنان در
صحنه خودشان را متمهد و مسئول بدانند و از
انقلابشان دلسرد نشوند، خوقی نباید داشت، ولی
اگر خدای نکرده مردم دلسرد شوند، نه تنها باید
برای جبران ضایعات پس از جنگ ناراحت باشیم
که حتی باید برای خود جنگ ناراحت باشیم،
زیرا اگر کسی که در جبهه می جنگد، تردید پیدا
کند و دلسرد شود، این برای ما فاجعه است، چرا
که دست او محکم بر روی ماشه نمی رود. امیدواریم
همانطور که الان دست رزمندگان ما محکم بروی
ماشه می رود، پس از جنگ نیز با ایمان و تلاش،
خسارات و ضایعات را جبران کنند.

دوستان انقلاب ایران در گذشته یعنی، طراحان و مجریان
آن سیاست خارجی گذشته، که در مقاله نامبرده بحق مورد
انتقاد قرار گرفته، چه کسانی بوده اند؟

سؤال دوم ما اینست که: مسئولیت و اختیار آن تلویزیونی
که «با آب و تاب» آن سیاست خارجی را تبلیغ میکرد و دامن
میزد، در دست چه کسی بود؟

سؤال سوم اینست که: آنها که علیه عبدالسلام جلوه
نخست وزیر کشور دوست ما لیبی، شعار میدادند چه کسانی
بودند؟

نویسنده، پس از اشاره به مناسبات سابق ما با الجزایر،
می نویسد:

«از اینکه با این جنوبی، کوبه و ویتنام، کره شمالی و...
چه رابطه ای داشته ایم، لازم نیست، مطالبی نوشته شود.»

این نوشته های روزنامه انقلاب اسلامی مورد تأیید همه
کسانی است که میخواهند جمهوری اسلامی ایران - منطبق با
اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی - سیاست خارجی ضد
امپریالیستی داشته باشد.

سؤال اول ما اینست که: مسئول گمراه گشتن سیاست
خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، مسببین طرد

سؤال...

بقیه از صفحه ۱

ایران برود... و تلویزیون هم با آب و تاب آنها را پخش می-
نمود، و از طرف دیگر در حالی که دولت لیبی تمام تلاش خود
را برای نزدیک شدن با ایران بکار می برد، مقامات حاضر به
فرستادن نماینده به لیبی نبودند و این در حالی بود که سفارت
لیبی در تهران بسیار فعال و کوشا بود...»

هواداران کانون فرهنگی آرامنه اصفهان:

ترور هراج همبر چیان توطنه عوامل آمریکاست

هواداران کانون فرهنگی ارمنی اصفهان در اعلامیه‌ای ترور هراج همبرچیان، فرزند مبارز خلق ارمنی را بعنوان توطئه عوامل امریکا محکوم کرده و از جمله نوشته‌اند:

«امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، اینک مذبحخانه به تلاش گسترده‌ای برای نابودی دستاوردهای انقلاب بزرگ و حماسه‌آفرین مردم ایران دست‌زده است. امپریالیسم امریکا اینک با بسیج و متشکل کردن دولتهای ارتجاعی منطقه خاورمیانه، از اردن و مصر گرفته تا عربستان سعودی و شیوخ مرتجع منطقه، سعی در ایجاد یک جبهه قوی علیه انقلاب ایران نموده است. در اینحال رژیم یوشالی بعث با پناه دادن وطن‌فروشان رسوا و ساواکیسا و ارتشیان فراری مانند پالیزیان و اویسی و شروع تهاجم نظامی علیه مردم ایران ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی خود را هرچه عریاتر به نمایش گذاشته است.

امروز هر تلاشی در جهت ایجاد جو ناامنی و اغتشاش و تشنج در ایران مستقیماً در خدمت امپریالیسم امریکا قرار گرفته و آب به آسیاب آن می‌ریزد.

امروز هر تلاشی که در جهت ایجاد فضای ارباب و ترور و

ترساندن مردم از جانب ضدانقلابیون و سرمایه‌داران خیانت‌پیشه صورت می‌گیرد، کامیاست در جهت ایجاد یک جنگ روانی علیه مردمی که مصممند سلطه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، را از بیخ و بن برکنند و ایرانی آزاد و دمکراتیک بر روی لاشه‌های متعفن رژیم پهلوی بنا کنند.

زحمتکشان ارمنی!

شهادت فرزند راستین خلق، هراج همبرچیان، بدست تاریک-اندیشان فاشیست، که از روشنایی روز می‌ترسند و مذبحخانه می-کوشند تا دوباره سلطه امپریالیسم را بر زمین ما برقرار کنند، نمونه‌ای از تلاش آندسته از ضدانقلابیونی است که سعی در منحرف کردن مبارزه مردم علیه امپریالیسم و متحدان داخلی دارند.

ترور هراج، فرزند مبارز خلق ارمنی جز تلاش برای بوجود آوردن فضای ترور و ترس و ایجاد شکاف در بین صفوف مردم و نهایتاً خدمت به امپریالیسم امریکا چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آرامنه مبارزا

یکوشیم تا با وحدت تمامی خلق و مقاومت قاطعانه در مقابل چنین توطئه‌هایی، دسیسه‌های امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی‌را نقض بر آب کنیم.

«رادپوپکن» در خدمت «سیا»!

دولت دریافت میدارد. علاوه بر این، از ۵۱۵ میلیون دلاری که در ازای این خوش‌خدمتی، سالانه چندین میلیون دلار دریافت خواهند داشت. برای نمونه، «رادپوپکن» در سال جاری میلادی از این بابت ۸۲ میلیون دلار از طریق

خارج، بویژه اروپا و آسیا، گسترش خواهد بخشید. چینی‌ها در ازای این خوش‌خدمتی، سالانه چندین میلیون دلار دریافت خواهند داشت. برای نمونه، «رادپوپکن» در سال جاری میلادی از این بابت ۸۲ میلیون دلار از طریق

چندی پیش در بن، پایتخت جمهوری فدرال آلمان، قراردادی میان «رادپوپکن» و «رادپوپ» آزادی و «رادپوپ اروپای آزاد» به امضاء رسید. یادآور می‌شویم که دو ایستگاه رادیویی اخیر از سوی «سیا» اداره میگردد. بموجب این قرارداد، «رادپوپ چین» برنامه‌های خود را برای

اعتراض به بازنشستگی کارگران و کارمندان متخصص شرکت ملی نفت ایران

شورای مرکزی اسلامی کار-کنان صنعت نفت مسجد سلیمان ددمورد خطرات بازنشستگی کردن کارمندان و کارگران متخصص صنعت نفت، به مقامات مسئول کشور هشدار داد.

در جلسه این شورا، که بهمن مناسبت، روز ۱۱ آبان ماه ۵۹ تشکیل شده، شرکت‌کنندگان، ضمن اعتراض به بازنشستگی کردن کارگران متخصص و مجرب خواستار تجدیدنظر در این مورد شدند.

تصمیم مربوط به بازنشستگی کردن افرادی که دارای ۳۰ سال سابقه خدمت و یا ۵۰ سال سن هستند، در اوایل سال ۵۹ در شورای انقلاب اتخاذ شد. به دنبال همین تصمیم، حدود ۶۰۰ نفر از کارمندان شرکت ملی نفت ایران در مناطق نفت‌خیز در لیست بازنشستگی قرار گرفتند، که اکثراً دارای تجربه و تخصص مفید هستند.

براین اساس تعداد کارگران مشمول بازنشستگی بسیار زیادتز از کارمندان است. در ضمن

کمکهای همه‌جانبه جمهوری دمکراتیک آلمان به کشورهای در حال رشد

جمهوری دمکراتیک آلمان نیز مانند دیگر کشورهای سوسیالیستی نقش بزرگی در تقویت کادرهای کشورهای در حال رشد بعهده گرفته است. بموجب آماز منتشر شده، از سال ۱۹۷۰، بیش از ده هزار نفر از دانشجویان آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در یکی از صدها دانشگاه و کالج و دانشکده فنی این کشور تحصیل کرده‌اند. همچنین در همین مدت کارشناسان جمهوری دمکراتیک آلمان، بیش از پنجاه و پنج هزار متخصص و تکنیسین در کشور-های این سه قاره تربیت کرده‌اند. گروههای دوستی شامل سیصد عضو از سازمان جوانان جمهوری دمکراتیک آلمان از سال ۱۹۷۷ در کشورهای در حال رشد فعالیت کرده‌اند.

پلیس آمریکا از جنایت کاران نژاد پرست «کوکلوس کلان» حمایت می‌کند

به گزارش پاره‌ای از مطبوعات آمریکا، فرقه نژادپرست و چنانچه کار کوکلوس کلان» در ایالت تگزاس یک اردوگاه تاسیس کرده است. گفته می‌شود که در چند ایالت دیگر آمریکا نیز اردوگاههای مشابهی ایجاد شده است.

تاسیس این اردوگاهها با گسترش فعالیت جانین کوکلوس کلان همراه شده است. فعالیت این گروه از حمایت تلویحی پلیس و در موارد بسیار از حمایت دستگاه دادگستری آمریکا برخوردار است. تبری ۵ قاتل عضو کوکلوس کلان بوسیله یک دادگاه فرمایشی در گرینزبورو در کارولینای شمالی، نمونه بارز این حمایت است.

در اعتراض به کشتار وسیع سرخپوستان: سرخپوستان آمریکا راه پیمائی «بقای» تشکیل دادند

● تاکنون امریکائیان، ۴۴ درصد زنان سرخپوست را عقیم کرده‌اند

سرخپوستان ایالات متحده آمریکا صدای اعتراض خود را علیه جنایات نظام حاکم بر کشور بلند می‌کنند. نمایندگان دهها قبیله سرخپوست طی دادخواستی از سازمان ملل خواستند، قبایل سرخپوست آمریکا را از نژادکشی نجات دهد. رهبران قبایل سرخپوست که در راهپیمائی «بقا» شرکت کرده‌بودند در دادخواستی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اعلام کردند سرخپوستان از سرزمینهای خود اخراج میشوند، بمثابة یک نژاد، به نابودی کامل تهدید میگردند و جامعه جهانی باید هرچه زودتر به فریاد سرخپوستان مظلوم آمریکای شمالی برسد. عده‌ای از نمایندگان سرخپوستان ایالات متحده آمریکا در روتردام هلند نیز در کنفرانس خود توجه جامعه جهانی را به سیاست و عمل نژادکشی که نسبت به سرخپوستان اعمال می‌شود، جلب کردند. از ماه ژوئن گذشته نمایندگان قبایل مختلف سرخپوست آمریکا و همچنین سازمانهای ترقیخواه آمریکائی از سانفرانسیسکو یک راهپیمائی «بقا» به طرف نیویورک ترتیب دادند. راهپیمایان در واشنگتن نیز توقف کردند اما ظاهراً طرفداران دوآتشه حقوق بشر (!) در واشنگتن فرصت نداشتند به درخواست سرخپوستان استدیه شده آمریکایی رسیدگی کنند. نمایندگان سرخپوستان در نیویورک گفتند، شرکت‌های آمریکایی فعاله‌های معدنی و صنعتی و حتی هسته‌ای را در محلهای مخصوص اجتماع سرخپوستان «رزرواسیون» رها کرده و بدین ترتیب سرخپوستان حتی از این محلها نیز بیرون رانده می‌شوند. همچنین برای نابودی نسل سرخپوستان تاکنون چهل درصد از زنان سرخپوست عقیم شده‌اند. امپریالیسم چهره کریه خود را در همه ابعاد می‌نمایاند.

رهبر بلغارستان در دیرار با هنگ - سامرین گفت: هیچ چیز نمیتواند مردم کامپوچیا را از راه خود بازدارد

گودور ژوکوف رهبر بلغارستان، در جریان ضیافتی که بافتخار هنگ سامرین، رهبر شورای انقلابی خلق کامپوچیا در صوفیه برپا شده بود، گفت:

«ملت‌های جامعه سوسیالیستی و همه نیروهای ترقیخواه جهان، با مبارزه خلق کامپوچیا برای آزادی و استقلال کشور خود ابراز همبستگی می‌کنند.»

رهبر بلغارستان تاکید کرد:

«امپریالیستها و برتری طلبان پکن با اراده خلقهای هندوچین در مورد زندگی صلح آمیز و همراه با آرامش و تفاهم با همه ملت‌های آسیای جنوب شرقی و نیز با تحکیم دوستی برادرانه و همکاری آنها با کشورهای سوسیالیستی مخالفند. بویژه تلاشی محافل برتری طلب و توسعه طلب پکن برای سد کردن راه مردم کامپوچیا در زمینه ساختن زندگی نوین خطرناک است. اما هیچ چیز نمی‌تواند مردم کامپوچیا را از راه خود بازدارد.»

هنگ سامرین، رهبر کامپوچیا، در پاسخ گفت:

«تلاشهای موقتیت آمیز خلق کامپوچیا برای پیروزی بر عواقب سلطه شوم دارودسته خون آشام پول بوت - ینگساری، که از حمایت چین برخوردار بودند، بخاطر کمک کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی و ویتنام امکان پذیر بوده است.»

هنگ سامرین تاکید کرد:

«کامپوچیا خواستار همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای آسیای جنوب شرقی است.»



وزیر خارجه افغانستان در مقر سازمان ملل متحد: افغانستان قطعنامه‌ای را که تحت فشار نیروهای امپریالیستی و برتری طلب تصویب شده، قاطعانه رد می‌کند

شاه محمد دوست، وزیر خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، در یک مصاحبه مطبوعاتی در مقر سازمان ملل اعلام کرد: «بحث‌های مجمع عمومی درباره باصلاح مسئله افغانستان، که بوسیله آمریکا و چین به این جامعه جهانی تحمیل شده بود، اقدامی در جهت مداخله مستقیم در امور داخلی افغانستان محسوب می‌شود.» وی که برای شرکت در این جلسه به نیویورک رفته بود، گفت: «این بحث‌های تحمیلی نقض آشکار اصول منشور سازمان ملل بوده است.»

وزیر خارجه افغانستان گفت: «افغانستان قاطعانه قطعنامه‌ای را که تحت فشار نیروهای امپریالیستی و برتری طلب تصویب شده، رد می‌کند و قصد ندارد آنرا به هیچوجه به حساب آورد.»

شاه محمد دوست افزود: «ادعای واشنگتن، پکن و متحدان آنها مبنی بر اینکه اوضاع در افغانستان گویا امنیت و صلح منطقه را تهدید می‌کند، بکلی بی‌اساس است. جمهوری دمکراتیک افغانستان برای منشور سازمان ملل احترام کامل قائل است و سیاست آن مطابق با موازین پذیرفته شده حقوق بین‌المللی است. افغانستان در معرض اقدام‌های تجاوزکارانه از سوی امپریالیسم و ارتجاع جهانی قرار دارد، که از خاک پاکستان بعنوان پایگاهی استفاده می‌کنند.»

وزیر خارجه افغانستان یادآور شد: «شواهد غیر قابل انکاری وجود دارد که نشان می‌دهد امپریالیستها و برتری طلبان پکن از مدت‌ها پیش برای خنثی کردن توسعه بیشتر انقلاب افغانستان توطئه کرده‌اند و اکنون تلاش دارند به مردم ما درس بدهند که چه نوع ساختار اجتماعی برای خود انتخاب کنند و چه نوع حکومتی داشته باشند. اما مردم افغانستان از مدت‌ها پیش درباره سرنوشت خود تصمیم گرفته‌اند.»

شاه محمد دوست گفت: «سالهاست مردم افغانستان علیه فئودالیسم و نیروهای ضددمکراتیک مبارزه کرده‌اند. مردم افغانستان مصممند از انقلاب و از وطن خود تا آخرین قطره خون دفاع کنند.» وزیر خارجه افغانستان افزود:

«نیروهای معدود اتحاد شوروی به خواست دولت افغانستان برای مقابله با تجاوز خارجی وارد کشور شده‌اند و بعضی آنکه تجاوز خارجی قطع شود، این نیروها بی‌درنگ از افغانستان خارج خواهند شد.» شاه محمد دوست تاکید کرد: «دولت افغانستان علاقمند است هرچه زودتر تمام آوارگان به کشور بازگردند. اما متأسفانه عده زیادی از این عده بوسيله دشمنان افغانستان بعنوان مزدور و خرابکار بکار گرفته شده‌اند.» وزیر خارجه افغانستان گفت:

«علیرغم تمام توطئه‌ها اوضاع کشور به سرعت عادی می‌شود. طرح‌های دولت در زمینه‌های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی علیرغم توطئه‌ها و تجاوزات خارجی و خرابکاریها اجرا می‌شود و اجرای آنها هر-روز سرعت بیشتری بخود می‌گیرد.»

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست

NAMEH
MARDOM

No. 381
29 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران